



سوالات آزمون گروه علوم انسانی دکتری ۹۸

استعداد تحصیلی

بخش اول: درک مطلب

■ **راهنمایی:** در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

متن (۱)

بیردزلی، از اولین و سرسخت‌ترین مدافعان ضدقصدگرایی، موضوع تفسیر را متن اثر ادبی می‌دانست و متن را به‌عنوان امری مستقل، از قصد مؤلف آن جدا می‌دانست. متن برای تعیین معنا، نیازی به قصد مؤلف ندارد و کنش متقابل میان کلمات و فرامتن است که معنا را متعین می‌سازد. او می‌پذیرفت که معنای موردنظر مؤلف و معنای متن می‌توانند در بسیاری از موارد یکی باشند؛ اما برخلاف قصدگرایان، استدلال می‌کرد که معنا همیشه توسط متن متعین می‌شود، نه قصد مؤلف.

بیردزلی تحت‌تأثیر «نظریه کنش بیانی» قرار داشت که در میانه قرن بیستم محبوبیت زیادی به‌دست آورده بود. نظریه‌پردازان علاقه‌مند به این نظریه، از جمله آستین، به این موضوع توجه کردند که بسیاری از کنش‌ها یا فعل‌ها با گفتن یا نوشتن انجام می‌شود. به‌طور مثال، کشیشی که در مراسم عروسی خطاب به یک زن و مرد می‌گوید: «من شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم»، در حال انجام یک کنش است که از لحاظ قانونی و عرفی پیامدها و اثراتی دارد. تقاضا کردن، معذرت‌خواهی، قول دادن، تهدید کردن و بسیاری از اعمالی را که در زبان روزمره با گفتار انجام می‌شوند، می‌توان کنش بیانی نامید. البته الزام نیست که این کنش‌ها حتماً با گفتار انجام شوند. به‌طور مثال، شخصی می‌تواند با گذاشتن کف دو دست به یکدیگر عذرخواهی کند، و مخاطبش از حرکات او به قصد و منظورش پی ببرد.

نظریه کنش بیانی تحت‌تأثیر «جنبش زبان روزمره» در زبان‌شناسی و فلسفه شکل گرفت که انگاره اصلی آن، تحت‌تأثیر ویتگنشتاین، مساوی دانستن معنا و کاربرد اظهارات زبانی بود. طبق این نظر، برای فهمیدن معنای یک اظهار زبانی، باید به کاربرد آن در زبان توجه کنیم. به‌عبارت دیگر، معنای اظهارها را نمی‌توان تنها با مراجعه به لغت‌نامه‌ها و دستور زبان فهمید. توجه به مقاصد «گوینده» یا «اظهارکننده» در نظریه کنش بیانی اهمیت زیادی دارد و این موضوع، با تأکید بیردزلی بر قراردادهای زبانی و بیرونی دانستن مقاصد مؤلف، در تضاد است.

راه‌حل بیردزلی در مقابل این تضاد، این بود که آثار «تخیلی» را «بازنمایی»های کنش‌های بیانی بنامد و حوزه ادبیات را از زبان روزمره جدا سازد. به‌این ترتیب، نویسنده آثار خیالی در حال انجام کنش‌های بیانی نیست، بلکه در حال بازنمایی کنش‌های بیانی شخصیت‌های داستانی است. بنابراین، تفسیر ادبی صرفاً به قراردادهای ادبی مربوط است، نه به امور واقع. به‌این ترتیب، برای فهم اثر ادبی (خیالی)، نیازی به مقاصد مؤلف آن نداریم. بیردزلی از اصطلاح «کنش مضمون در بیان» استفاده می‌کند.

۱- مقصود اصلی متن، کدام است؟

- ۱) کندوکاو یک تضاد
۲) توصیف یک رویکرد
۳) ایجاد تغییر در یک روش تحلیل
۴) ارائه فرضیه‌ای در یک حوزه مطالعاتی

۲- کدام مورد را می‌توان درباره نظر قصدگرایی، از متن استنباط کرد؟

- ۱) معنای متن، تجلی معنای موردنظر مؤلف است.
۲) کلماتی که مؤلف به‌کار می‌برد، کنشی بیانی هستند.
۳) هدف اصلی خواننده یا منتقد، باید درک قصد نویسنده از تألیف باشد.
۴) سبک نگارش یک مؤلف، متغیری وابسته به قصد او از نگارش است.

۳- طبق متن، کدام مورد در خصوص نظریه «کنش بیانی»، صحیح است؟

- ۱) دارای نوعی تضاد درونی است که در نظریه بیردزلی، انعکاس یافته است.
۲) نظریه اصلی تأثیرگذار بر مدافعان ضدقصدگرایی است.
۳) نقش زبان‌شناسی و فلسفه در نقد ادبی را برجسته می‌کند.
۴) بیشتر تأییدکننده نظریه مدافعان قصدگرایی است.

۴- کدام مورد، با نظر بیردزلی هماهنگ نیست؟

- ۱) تفسیر ادبی، براساس قراردادهای زبانی و بیرونی دانستن مقاصد مؤلف امکان‌پذیر است.
۲) نویسنده اثر «تخیلی»، بسان آینه‌ای، کنش‌های بیانی شخصیت‌های داستانی را منعکس می‌سازد.
۳) تفاوتی اساسی میان کنش بیانی در حوزه زبان ادبی و زبان روزمره وجود ندارد.
۴) مفهوم «کنش مضمون در بیان»، تعارضی با نحوه تفسیر برخی متون خاص ندارد.



باسخنامه آزمون گروه علوم انسانی دکتری ۹۸

استعداد تحصیلی

بخش اول: درک مطلب

پاسخ سوالات متن (۱)

۱- گزینه «۲» متن به طور کلی در مورد رویکرد بیردزلی که یکی از مدافعان ضد قصدگرایی بود صحبت می‌کند.

نادرستی سایر گزینه‌ها:

بررسی گزینه (۱): اگر چه در پاراگراف سوم در مورد یک تضاد صحبت شده است، اما این موضوع به هیچ وجه موضوع کلی متن نبوده است.

بررسی گزینه (۳): متن در مورد ایجاد تغییر در یک روش تحلیل صحبت نمی‌کند؛ موضوع اصلی مورد بحث رویکرد بیردزلی در مورد تفسیر متن است.

بررسی گزینه (۴): توجه کنید که متن تلاش نمی‌کند فرضیه‌ای را در مورد تفسیر متن بیان کند، بلکه تلاش می‌کند تا رویکرد بیردزلی را توصیف کند.

۲- گزینه «۱» با توجه به جمله آخر پاراگراف اول «بیردزلی برخلاف قصدگرایان، استدلال می‌کرد که معنا همیشه توسط متن تعیین می‌شود، نه قصد مؤلف» می‌توان نتیجه گرفت که قصدگرایان بر این باور هستند که معنا توسط قصد مؤلف تعیین می‌شود؛ یا به عبارتی دیگر معنای متن، تجلی معنای مورد نظر مؤلف است.

نادرستی سایر گزینه‌ها:

بررسی گزینه (۲): پاراگراف دوم به طور کامل در رابطه با کنش بیانی صحبت می‌کند و در مورد اینکه کلماتی که مؤلف به کار می‌برد کنشی بیانی است صحبتی نکرده است.

بررسی گزینه (۳): در متن بیان می‌شود که قصدگرایان بر این باور هستند که معنا توسط قصد مؤلف تعیین می‌شود؛ متن به هیچ عنوان در مورد اینکه «هدف خواننده» باید از خواندن متن چه باشد صحبتی نکرده است.

بررسی گزینه (۴): این گزینه نیز رد می‌شود؛ چرا که متن در مورد «سبک نگارش نویسنده» صحبتی نکرده است.

۳- گزینه «۴» در پاراگراف دوم بیان می‌شود که بسیاری از کنش‌ها توسط گفتن یا نوشتن انجام می‌شود... البته الزام نیست که این کنش‌ها حتماً با گفتار انجام شوند. به طور مثال، شخصی می‌تواند با گذاشتن دو کف دست بر روی یکدیگر عذرخواهی کند و مخاطبش از حرکات او به قصد و منظورش پی ببرد. مدافعان قصدگرایی بیان می‌کنند که معنا توسط قصد مؤلف تعیین می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که نظریه مدافعان قصدگرایی را تا حد مطلوبی تأیید می‌کند.

نادرستی سایر گزینه‌ها:

بررسی گزینه (۱): نظریه کنش بیانی دارای تضاد درونی نیست! نظریه کنش بیانی تحت تأثیر جنبش زبان روزمره که بیان می‌کند باید به کاربرد معنا در زبان توجه داشت، با رویکرد بیردزلی در تضاد است.

بررسی گزینه (۲): در ابتدای پاراگراف دوم بیان می‌شود که بیردزلی تحت تأثیر نظریه کنش بیانی بود و به هیچ وجه این جمله کلی را بیان نمی‌کند که این نظریه بر مدافعان ضد قصدگرایی تأثیرگذار است.

بررسی گزینه (۳): این گزینه کاملاً بی‌ربط است، چرا که در مورد آن بحث نشده است.

۴- گزینه «۳» البته که میان کنش زبانی در حوزه زبان ادبی و زبان روزمره تفاوت وجود دارد! در پاراگراف دوم بیان می‌شود که بسیاری از کنش‌ها توسط گفتن یا نوشتن انجام می‌شود... البته الزام نیست که این کنش‌ها حتماً با گفتار انجام شوند. به طور مثال، شخصی می‌تواند با گذاشتن دو کف دست بر روی یکدیگر عذرخواهی کند و مخاطبش از حرکات او به قصد و منظورش پی ببرد. بیردزلی این موضوع را حمایت می‌کند، چرا که او مدافع ضد قصدگرایی است و بیان می‌کند که معنا همیشه توسط متن تعیین می‌شود، نه قصد مؤلف. در حالی که در پاراگراف سوم بیان می‌شود که کنش زبانی تحت تأثیر جنبش زبان روزمره، به کاربرد اظهارها در زبان توجه می‌کند که با تأکیدهای بیردزلی بر قراردادهای زبانی و بیرونی دانستن مقاصد مؤلف، در تضاد است.

بخش دوم: استدلال منطقی

راهنمایی: برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است فقط موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌های را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به مطالب مطرح شده در هر سؤال و نتایجی که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

کله ۹- در جامعه سنتی، هرگونه ارتباط فرد با دیگری می‌تواند بنیان رابطه‌ای مستمر را پی‌ریزی کند و جامعه را به سمت همبستگی‌ای مبتنی بر شباهت‌ها سوق دهد. اما در جامعه مدرن که طبقات اجتماعی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن به‌شمار می‌رود، گمنامی و غریبگی، علاوه بر آنکه میدان فردیت را گسترش می‌دهد و اختیار عمل را افزون می‌سازد، در مقابل این آزادی، پشتوانه‌های حمایتی را می‌زداید، نوعی از خودبیبگانگی را رقم می‌زند و برقراری روابطی اجتماعی که بتواند استمرار داشته باشد را محدود می‌کند. کدام مورد را می‌توان به‌درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

- ۱) گسترش میدان آزادی فردی در جامعه می‌تواند درعین حال به از خودبیبگانگی ختم شود.
- ۲) انسان برای غلبه بر برخی معضلات در جامعه مدرن، راهی جز رجعت به زندگی سنتی ندارد.
- ۳) گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، اگرچه اثرات نامطلوبی دارد، ولی امری گریزناپذیر است.
- ۴) محدود ساختن آزادی فردی در جامعه امروز، از طریق ایجاد شبکه همگن و یکپارچه از خدمات اجتماعی، راه مقابله با احساس گمنامی و غریبگی انسان مدرن است.

کله ۱۰- اگرچه کاهش یا نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای دانش‌آموختگان دانشگاهی، یکی از معضلات اساسی بسیاری از کشورها به‌حساب می‌آید، با این همه، شواهد و تجربیات، نشان از موفقیت گروهی از دانشجویان در کسب شغل دارد. برخی دانشجویان و دانش‌آموختگان در زمینه اشتغال، موفق‌تر عمل می‌کنند. این موضوع به علل و عوامل زیادی ارتباط دارد. برخی صاحب‌نظران به نقش محوری پیوندها و شبکه‌های اجتماعی در دسترسی به فرصت‌های شغلی تأکید داشته و نقش روابط غیررسمی را در دستیابی به آنها، مهم تلقی می‌کنند.

کدام مورد، به بهترین وجه، ارتباط دو بخش از متن که زیر آنها خط کشیده شده است را توصیف می‌کند؟

- ۱) اولی، ادعایی کلی را مطرح می‌سازد و دومی، با استناد به منبعی موثق، آن را مشروط می‌سازد.
- ۲) اولی، مثالی از معضلی اجتماعی را ذکر می‌کند و دومی، راه غلبه بر آن را نشان می‌دهد.
- ۳) اولی، تناقضی را یادآور می‌شود و دومی، اثرات آن را برمی‌شمارد.
- ۴) اولی، واقعیتی را بیان می‌دارد و دومی، دلیل بروز آن را آشکار می‌سازد.

کله ۱۱- خانم «الف» در کتاب خود، کوشیده است تا حقیقت معناجویی و معناخواهی را که لابه‌لای تحقیقات میدانی انجام گرفته است، برجسته نموده و آن را فراتر از عقیده عمومی یا بدیهی تحلیل کند. به نظر وی، نیازی نیست که معناجویی، قابل تحویل یا تأویل به نیازهای دیگر باشد. او به تحقیقی اشاره می‌کند که توسط یک مرکز بزرگ تحقیقات روان‌شناسی منتشر شده است که در آن، ۱۷۱۵۰۹ نفر مورد پرسش قرار گرفتند. بیشترین هدفی که افراد برای خود در نظر گرفته بودند، یعنی معادل ۹۸/۱ درصد، گزینه «گسترش یک فلسفه معنادار از زندگی» بود. تحقیق دیگری در این باره وجود داشت که از بین ۷۹۴۸ نفر دانشجوی شرکت‌کننده در آن تحقیق، فقط ۱۶ نفر گزینه «پول بیشتر» را انتخاب کرده بودند، اما ۷۸ درصد آنها گزینه «در صدد یافتن معنایی برای زندگی» را در نظر گرفته بودند.

فرض خانم «الف» در اشاره به مطالعه‌ای که در متن آمده، کدام است؟

- ۱) امروزه، دانشمندان در تأیید گفته خود، باید به تحقیقات علمی رجوع کنند.
- ۲) افرادی که در مطالعه ذکر شده شرکت کردند، واقعیت را اذعان داشته‌اند.
- ۳) وقتی تعداد افراد شرکت‌کننده در تحقیقی بالا باشد، روایی آن تحقیق هم بالاست.
- ۴) در مسائل مربوط به احوالات درونی انسان، بهتر است به حوزه روان‌شناختی تکیه کرد.

کله ۱۲- یک نکته تجربه‌شده و اثبات‌شده در زمینه کیفیت ارائه اثر هنری وجود دارد و آن این است که هر قدر اثر هنری از بیان مستقیم، شعاری، توصیه‌ای و دستوری در انتقال پیام اجتناب کند، به سطح عمیق‌تری از تأثیرگذاری و اثربخشی دست خواهد یافت. بنابراین، می‌بینیم که هر قدر هنرمند به‌عنوان پدیدآور و زایشگر اثر هنری، در روندی آزادانه‌تر به‌کار پرداخته است، سطح تأثیر او بر مخاطبان نیز وسیع‌تر و به‌ویژه عمیق‌تر است.

کدام مورد زیر، در صورتی که صحیح فرض شود، ادعای نویسنده درباره نحوه بالا بردن سطح تأثیر هنر بر مخاطبان را تضعیف می‌کند؟

- ۱) مخاطبان آثار هنری، حتی وقتی از تحصیلات برابری برخوردار باشند، برداشت یکسانی از یک اثر هنری واحد ندارند.
- ۲) هنری که مخاطبش کودکان هستند، وقتی تأثیرگذار است که پیامش را مستقیم و پندمدار منتقل کند.
- ۳) برخی از آثار هنری که امروز فاخر محسوب می‌شوند، نتوانستند در عصر مربوطه خود، تأثیرگذاری مطلوبی داشته باشند.
- ۴) فرایند تولید اثر هنری، بسته به نوع هنر مربوطه، متفاوت است و همه نوع هنر را نمی‌توان به اصطلاح با یک چوب راند.



۱۳- آلفرد آدلر می‌گوید فرزند اول با به دنیا آمدن فرزندان بعدی، جایگاه مطلوب خود را در خانواده از دست می‌دهد. مثلاً با به دنیا آمدن فرزند دوم، سهم فرزند اول از منابع مالی خانواده نصف می‌شود و لذا مجبور می‌شود برای حق خود بجنگد. لذا، فرزند اول در بزرگسالی، شخصیتی محافظه‌کار و مخالف تغییرات پیدا می‌کند و همیشه تصور می‌کند که دیگران بر علیه او قیام خواهند کرد.

کدام مورد را می‌توان جدی‌ترین خطای استدلال فوق به حساب آورد؟

- ۱) تأثیر متقابل انسان بر محیط پیرامونش را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد.
- ۲) محافظه‌کاری و مخالفت با تغییرات را بی‌دلیل صفات اجتماعی منفی می‌انگارد.
- ۳) با قیاسی نابه‌جا، نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک را به نقشی که جامعه در این زمینه ایفا می‌کند، ربط می‌دهد.
- ۴) وضعیت یک فرد در شرایطی خاص را به شرایطی که می‌تواند کاملاً متفاوت باشد، تعمیم مبالغه‌آمیز می‌دهد.

۱۴- نظریه عدم تجانس، پیش از اینکه توسط سیسرو و بعدها توسط کانت عنوان شود، به آرای ارسطو بازمی‌گردد و از آن زمان تاکنون، به‌عنوان مهم‌ترین نظریه طنز، مورد قبول و ارجاع پژوهشگران این حوزه بوده است. نظریه عدم تجانس بیان می‌کند چیزی که باعث سرگرمی می‌شود، در بعضی انواع عدم تجانس نهفته است و خنده، بیان لذت و خوشی ما از آن رویداد

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می‌کند؟

- ۱) به تضادی می‌انجامد که عدم تجانس است
- ۲) تنها مبنای نظریه مطروح است
- ۳) یا چیز نامتجانس است
- ۴) و رویدادی دیگر است

۱۵- در آثار اخلاقی ارسطو، هیچ تصریح خاصی در باب بدترین رذیلت اخلاقی وجود ندارد. البته در لابه‌لای سخنان او می‌توان به نمونه‌هایی از مقایسه دست یافت که بر مبنای آنها، یک رذیلت را بدتر از رذیلتی دیگر معرفی کند. به‌طور مثال، ارسطو صداقت را در حدّ میانه توداری بیش از حد و لاف‌زنی می‌داند، اما تصریح می‌کند که لاف‌زنی بدتر از توداری بیش از حد است. در موضعی دیگر نیز، ارسطو ارتکاب ظلم و پذیرش و تحمل آن را مقایسه کرده و می‌گوید کاملاً پیداست که هم عمل ظالمانه و غیرعادلانه بد است و هم تحمل ظلم و بی‌عدالتی، اما ظلم کردن، بدتر از پذیرش و تحمل ظلم است. موضوع اصلی متن فوق، کدام است؟

- ۱) بدترین رذیلت اخلاقی از دید ارسطو
- ۲) تناقضی نهفته در تعریف ارسطو از فضیلت و رذیلت
- ۳) ملاک ارسطو در ارزیابی فضیلت اخلاقی در اعمال انسانی
- ۴) فاصله کمتر از میان فضیلت و رذیلت، در فلسفه اخلاقی ارسطو

بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ راهنمایی: در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به‌دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید. راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

از پنج کارمند به اسامی A، B، C، D و E خواسته شده که در خصوص یکدیگر نظر بدهند. به هر کدام از آنها برگه‌ای داده شده و خواسته شده است که از بین چهار نفر دیگر، به‌جز خود، نام دو نفر که فعال‌تر هستند را روی برگه بنویسند. اطلاعات زیر موجود است:

- نه A نام E را می‌نویسد و نه E نام A را.
- کسی که نام B را نوشته، نام D را ننوشته است.
- تنها نام یکی از افراد، در هیچ‌برگه‌ای نوشته نشده است.
- دو نفر از افراد، از نظر هر چهار همکار خود، فرد فعالی بوده‌اند.

۱۶- اگر C نام‌های A و B را نوشته باشد، در چهار برگه چهار نفر دیگر و از A نام ممکن، چند نام به‌طور قطع مشخص می‌شود؟

- ۱) ۵
- ۲) ۶
- ۳) ۷
- ۴) ۸

۱۷- اگر یک نفر، نام‌های D و E را نوشته باشد، B نام چه کسانی را نوشته است؟

- ۱) A و D
- ۲) A و C
- ۳) C و E
- ۴) C و D

۱۸- اگر فقط یک نفر، نام‌های B و C را با هم نوشته باشد، C نام چه کسی (کسانی) را به‌طور قطع نوشته است؟

- ۱) فقط A
- ۲) فقط D
- ۳) A و D
- ۴) D و E

۱۹- اگر نام A در برگه B نوشته شده باشد، نام C در برگه چند نفر نوشته شده است؟

- ۱) ۴
- ۲) ۳
- ۳) ۲
- ۴) ۱

بخش دوم: استدلال منطقی

۹- گزینه «۱» به وضوح در متن اشاره شده است که گسترش میدان فردی نوعی از خودبیینگی را رقم می‌زند. دقت کنید در سؤالات «استنباط از متن» باید به دنبال گزینه‌ای باشید که صرفاً از آن متن استخراج می‌شود نه اینکه برداشت خود از متن و یا مثلاً گزینه‌های احتمالی که شاید نویسنده متن آن‌ها را قبول دارد، به عنوان گزینه صحیح در نظر بگیرید.

۱۰- گزینه «۴» قسمت اول یک واقعیت و تا حدی یک ادعا است، بنابراین گزینه‌های (۲) و (۳) غلط هستند، قسمت دوم دلیل این واقعیت را بیان می‌دارد، پس گزینه (۱) هم غلط است.

۱۱- گزینه «۲» واضح است در سؤالات «فرض پنهان» دنبال گزینه‌های نتیجه‌گیری از متن و یا نظایر آن نیستیم، گزینه‌های (۱) و (۴) چنین شرایطی دارند. گزینه (۳) هم نمی‌تواند فرض خانم «الف» در نظر گرفته شود؛ چون اتفاقاً این خانم به دو جامعه آماری مختلف که اختلاف معناداری با هم دارند اشاره کرده است. گزینه (۲) بسیار واضح فرض پنهان سؤال است، چون اگر افراد شرکت‌کننده واقعیت را بیان نکنند، دیگر تحقیق‌ها و مطالعات هیچ اعتباری ندارد. پس خانم «الف» فرض کرده است که افراد شرکت‌کننده در تحقیق واقعیت را بیان کرده‌اند.

۱۲- گزینه «۲» نویسنده سعی دارد بگوید آثار هنری باکیفیت وقتی تأثیرگذار هستند که پیام را به‌طور مستقیم و توصیه‌ای و دستوری بیان نکرده باشند. دنبال این هستیم که این نظریه را تضعیف کنیم، به وضوح گزینه (۲) این کار را کرده است؛ چون می‌گوید هنری که مخاطبش کودکان هستند وقتی تأثیرگذار است که پیامش را مستقیم و توصیه‌ای منتقل کند. یعنی دقیقاً مخالف نظر نویسنده متن!

۱۳- گزینه «۴» در متن گفته شده؛ فرزند اول بعد از به دنیا آمدن فرزندان دیگر در خانواده جایگاه خود را از دست می‌دهد و مجبور می‌شود برای حق خود بجنگد و از این موضوع نتیجه‌گیری می‌شود بعداً شخصیتی محافظه‌کار و مخالف در جامعه پیدا می‌کند.

خب، دنبال ایراد این استدلال هستیم. گزینه (۴) جدی‌ترین ایراد به این استدلال است چون تعمیم مبالغه‌آمیز (از وضعیت یک فرد در خانواده به جامعه) را صحیح نمی‌داند. البته شاید کمی تأثیر داشته باشد ولی این رابطه مستقیم و تعمیم صددرصدی (مبالغه‌آمیز) ایراد بزرگ استدلال است.

۱۴- گزینه «۳» به وضوح عبارت داده شده در گزینه (۳) می‌تواند در ادامه متن قرار گیرد.

۱۵- گزینه «۱» همان‌طور که در سراسر متن مشاهده می‌کنید بحث در مورد «بدترین ردیلت اخلاقی از نظر ارسطو» است. گزینه‌های دیگر به هیچ‌وجه نمی‌توانند موضوع اصلی متن باشند.

بخش سوم: سؤالات تحلیلی

اطلاعات اولیه مسئله:

پنج کارمند A, B, C, D, E / پنج برگه رأی / هر برگه شامل نام دو نفر دیگر

- محدودیت‌ها و قیود مسئله:

۱- نه A نام E را نوشته و نه E نام A را.

۲- B و D روی یک برگه نوشته نشده.

۳- نام یک نفر در هیچ برگه‌ای نیست.

۴- دو نفر بیشترین رأی را از نظر ۴ نفر دیگر خواهند داشت. ← بیشترین رأی ۴ و مربوط به دو نفر از سه نفر B, C, D. با توجه به اطلاعات مسئله و سؤالات مطرح‌شده می‌توان جدول زیر را برای این مسئله ترسیم نمود:

نام کارمند	A	B	C	D	E
رأی					

شامل A نیست →

شامل E نیست ↙

۱۶- گزینه «۳» اگر C نام A و B را نوشته باشد، پس بیشترین رأی می‌تواند مربوط به B و C بوده و نام D یا E در هیچ برگه‌ای نباشد. در نتیجه نام B و C باید در چهار برگه نوشته شود.

نام کارمند	A	B	C	D	E
رأی	B, C	C	A, B	B, C	B, C

بنابراین رأی دیگر نفر B می‌تواند D یا E باشد (اگر نام D در هیچ برگه‌ای نباشد، انتخاب دوم نفر B، کارمند E است و اگر نام E در هیچ برگه‌ای نباشد، انتخاب دوم نفر B، کارمند D خواهد بود). پس از ۸ نام ممکن در چهار برگه چهار نفر دیگر، نام ۷ نفر به‌طور قطع مشخص می‌شود.

PART A: Grammar

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes the blank. Then, mark the correct choice on your answer sheet.

31- You can skip around within a section, so answer the questions that are easiest for you, the more difficult questions for the end.

- 1) by saving 2) saving 3) it saves 4) save

32- While Marion Park is still the largest park, it is no longer as popular as

- 1) it was once 2) once was 3) once was it 4) was once

33- Coffee seems to be one of the world's biggest and most enduring passions, as coffee houses continue to pop up on every corner, beans from multiple exotic and sometimes completely unfamiliar locations.

- 1) each one sports 2) sporting each one
3) each one sporting 4) in each one of which it sports

34- of metal, this mechanism is approximately the size of a shoebox.

- 1) To be made 2) Having made 3) Made 4) Been made

35- The process by which a hostile or unsuitable environment is transformed into is called terraforming.

- 1) sustaining one that human life 2) one that can sustain human life
3) that of one to sustain human's life 4) that one is sustained by humans' life

36- In the case of humans, when a person becomes infected and the resistant bacteria set up home in the gut, the sufferer has two choices:

- 1) you should look for help or stay at home 2) whether look for help or stay at home
3) looking for help or stay at home 4) look for help or stay at home

37- Regularly taking part in a demanding and potentially dangerous activity leads to enhanced physical conditioning, speed of thought and reaction time.

- 1) which improve 2) which it improves
3) as well as improved 4) in addition to improve

38- In 1900, this area had a combination of residential and industrial features, but by 1935 the industrial features

- 1) had disappeared 2) would disappear 3) to have disappeared 4) was disappearing

PART B: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes the blank. Then, mark the correct choice on your answer sheet.

39- The of a second row of houses on Bayley Street and the removal of the railway line made room for a spacious park and children's play area.

- 1) deficiency 2) demarcation 3) deterrence 4) demolition

40- The coach knows the sport inside out, and we treat her with the respect she

- 1) exposes 2) deserves 3) diffuses 4) reminds

41- The virus remains in nerve tissue until activated.

- 1) innate 2) harmful 3) dormant 4) diverse

42- In order to cut costs, my boss has asked me to eliminate all positions that are not to day-to-day operations.

- 1) indispensable 2) indeterminate 3) incompatible 4) indiscriminate

43- In Hank's family, the genetic factors of must be strong because most of the members live to be over ninety years of age.

- 1) prosperity 2) longevity 3) perception 4) anticipation

بخش اول: دستور زبان

در سوالات زیر، از بین گزینه‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) پاسخی را انتخاب کنید که به بهترین نحو جای خالی را پر کند. آنگاه پاسخ‌تان را روی پاسخنامه علامت بزنید.

۳۱- گزینه «۲» می‌توانید بدون پرداختن به بعضی از سوالات از آنها رد شوید. بنابراین با سوالات آسان‌تر شروع کنید و سوالات سخت‌تر را برای آخر بگذارید. توضیح: در این تست ترکیب دو جمله‌واره مستقل (independent clause) زیر که از نوع جمله‌ی امری هستند، مد نظر است.

Answer the questions that are easiest for you.
Save the more difficult questions for the end.

می‌توانیم این دو جمله‌واره را با حرف ربط and به صورت زیر به هم وصل کنیم:

... answer the questions that are easiest for you, and save the more difficult questions for the end.

پس تا الان گزینه‌ی (۴) رد می‌شود چون باید به صورت and save باشد. گزینه‌ی (۱) به خاطر کامای قبل از جای خالی کنار می‌رود. (به عنوان یک قانون کلی، هیچ وقت بعد از کاما گزینه‌هایی را که با by یا to شروع می‌شوند، انتخاب نکنید). گزینه‌ی (۳) هم زمانی ارزش بررسی کردن دارد که کاما، به صورت نقطه و It به صورت It باشد. اما می‌رسیم به دلیل صحیح بودن گزینه‌ی (۲). می‌توانیم در جمله بالا کلمه and را حذف کنیم ولی باید ing را به فعل save اضافه کنیم: (شبهه به این تست توی مبحث وجه وصفی زیاد داریم)

... answer the questions that are easiest for you, **saving** the more difficult questions for the end.

۳۲- گزینه «۱» با اینکه پارک ماریون همچنان بزرگترین پارک می‌باشد، دیگر محبوبیت گذشته را ندارد.

توضیح: در این تست قصد داریم محبوبیت کنونی پارک ماریون را با محبوبیت آن در گذشته مقایسه کنیم. بنابراین جای خالی باید با یکی از موارد زیر پر شود:

While Marion Park is still the largest park, **it is** no longer as popular as **it was once**.

While Marion Park is still the largest park, it is no longer as popular as **it once was**.

While Marion Park is still the largest park, it is no longer as popular as **was it once**.

همچنین چون بعد و قبل از ترکیب as ... as به ساختار موازی نیاز داریم، فقط گزینه‌ی ۱ صحیح است.

۳۳- گزینه «۳» به نظر می‌رسد قهوه یکی از مهمترین و ماندگارترین علائق جهان است چون کافی‌شاپ‌ها در تمام نقاط شهر به چشم می‌خورند و هر یک قهوه را از چندین محل ناشنا و عجیب می‌آورند.

توضیح: گزینه (۴) به راحتی رد می‌شود چون مثال بارزی از حشو است. در گزینه‌ی (۲)، each one beans ترکیب نادرستی است چون بعد از one باید اسم مفرد bean بیاید.

در این تست اساساً ترکیب و تلفیق دو جمله با فاعل غیریکسان مدنظر است. در نتیجه در جای خالی ابتدا باید فاعل و سپس فعل ing بیاید. حتی می‌توان در این مورد کلمه one را حذف کرد و یا قبل از each حرف with آورد. یعنی به صورت زیر:

...as coffee houses continue to pop up on every corner, **(with) each (one) sporting** beans

مثال بیشتر:

Passengers traveled in a variety of stagecoaches, the best of which had four benches, **each holding** three persons.

۳۴- گزینه «۳» این دستگاه از فلز ساخته شده و تقریباً به اندازه یک جعبه کفش است.

توضیح: در مبحث کوتاه کردن گزاره‌های وصفی و بدل، شبهه به این تست به وفور آورده‌ایم. در واقع این تست در ابتدا به صورت زیر بوده:

This mechanism, **which is made of metal**, is approximately the size of a shoebox.

اکنون می‌توانیم با حذف which is یک عبارت وصفی بسازیم:

This mechanism, **made of metal**, is approximately the size of a shoebox.

عبارت وصفی بالا را می‌توانیم به قبل فاعل ببریم:

Made of metal, this mechanism is approximately the size of a shoebox.

۳۵- گزینه «۲» در پروسه‌ی زمینی‌سازی، یک محیط خشن و نامناسب به محیطی زیست‌پذیر تبدیل می‌شود.

توضیح: در گزینه‌ی (۳)، عبارت that of one نادرست است. در صورت سوال، دو تا فعل می‌بینیم. یکی فعل transform که فعل گزاره وصفی است و دیگری فعل call که فعل اصلی صورت سوال است. با این حساب می‌توانیم گزینه (۴) را هم حذف کنیم چون is sustained به عنوان فعل اصلی به کار رفته؛ در حالی که می‌دانیم هر جمله باید فقط و فقط یک فعل اصلی داشته باشد. و نهایتاً گزینه (۱) جمله را ناقص می‌کند.



۳۶- گزینه «۴» زمانی که شخصی دارای عفونت باشد و باکتری مقاوم در شکم او خانه کند، تنها دو راه پیش روی خود دارد: یا در خانه بماند و یا اینکه از دیگران کمک بگیرد.

توضیح: اساساً در زبان انگلیسی choice یا حق انتخاب را با or نشان می‌دهند یا با either ... or؛ نه با whether ... or (چه ... چه). دوماً چون قبل از جای خالی از دو نقطه استفاده شده، دیگر نیازی به کاربرد whether نیست (علت نادرست بودن گزینه‌ی ۲). همچنین وقتی دو ساختار با حرف ربط همپایه‌ساز Or به هم وصل می‌شوند، باید ساختار موازی رعایت شود اما در گزینه (۳)، looking با stay موازی نیست. گزینه (۱) هم به این دلیل نادرست است که you ضمیر مناسبی برای اسم a person نیست. در واقع گزینه (۱) در صورتی صحیح است که به جای you از he/she استفاده شود.

۳۷- گزینه «۳» شرکت کردن در یک فعالیت سخت و به‌طور بالقوه خطرناک باعث بهبود شرایط فیزیکی بدن و بهبود سرعت تفکر و واکنش انسان می‌شود. توضیح: گزینه‌ی (۴) به این دلیل رد می‌شود که بعد از in addition to اگر قرار باشد فعل بیاید، باید به صورت اسم جراند (فعل ing) باشد، یعنی improving. گزینه‌ی (۲) نمونه بارزی از حشو است چون which و it را با هم به کار برده. گزینه (۱) هم نادرست است چون باید به صورت which improves باشد. گزینه (۳) کاملاً صحیح است که در اینجا قبل as well as (علاوه بر، و) عبارت enhanced physical conditioning را داریم که با improved speed of thought می‌تواند جفت خوبی بسازد.

۳۸- گزینه «۱» این منطقه در سال ۱۹۰۰ دارای ساختمان‌های مسکونی و صنعتی بود، اما در سال ۱۹۳۵ دیگر یک منطقه صنعتی به شمار نمی‌آمد. توضیح: به خاطر کاربرد but در صورت سؤال، به فعل نیاز داریم نه مصدر با to (رد گزینه ۳). همچنین industrial features به فعل were نیاز دارد نه was (رد گزینه ۴). نهایتاً اینکه چون نویسنده از واقع‌ی صورت گرفته خبر دارد، نیازی به ساختار آینده در گذشته نیست (رد گزینه ۲).

بخش دوم: واژگان

دستورالعمل: در سؤالات زیر، از بین گزینه‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) پاسخی را انتخاب کنید که به بهترین نحو جای خالی را پر کند. آنگاه پاسخ‌تان را روی پاسخنامه علامت بزنید.

۳۹- گزینه «۴» تخریب خانه‌های ردیف دوم در خیابان پبلی و انتقال خط راه‌آهن، فضای مناسبی را برای ساخت پارک و شهرسازی فراهم کرد. (۱) نقص، کمبود (۲) علامت‌گذاری، تعیین مرز (۳) منع، بازداری (۴) تخریب

۴۰- گزینه «۲» مربی معلومات زیادی از آن رشته‌ی ورزشی دارد و ما طوری به او احترام می‌گذاریم که شایسته آن باشد. (۱) افشا کردن (۲) شایسته بودن (۳) پخش کردن، پراکندن (۴) به یاد آوردن، یادآوری کردن

۴۱- گزینه «۳» این ویروس تا زمان فعال شدن، در بافت‌های عصبی غیرفعال باقی می‌ماند. (۱) ذاتی، درونی (۲) مضر، زیان‌بار (۳) خاموش، نهفته، غیرفعال (۴) گوناگون

۴۲- گزینه «۱» رئیس شرکت از من خواسته برای کاهش هزینه‌ها، عناوین شغلی غیر ضروری را حذف کنم. (۱) ضروری، جدایی‌ناپذیر (۲) نامعلوم، تعیین نشده (۳) ناسازگار، نامناسب (۴) خالی از تبعیض، آشفته، بی‌ملاحظه

۴۳- گزینه «۲» فاکتورهای ژنتیکی طول عمر در خانواده هانک قوی هستند زیرا اکثر اعضای خانواده او بیش از نود سال عمر می‌کنند. (۱) موفقیت، شکوفایی (۲) طول عمر، عمر طولانی (۳) آگاهی، ادراک (۴) پیش‌بینی، انتظار

۴۴- گزینه «۴» میزان هوای خروجی از دریچه بسیار ناچیز بوده و برای خنک کردن اتاق کافی نیست. (۱) استثنائی، فوق‌العاده (۲) دنیوی (۳) مهم، خطیر (۴) ناچیز، جزئی

۴۵- گزینه «۱» دستگاه گرم‌کن فنجان باعث می‌شود که نوشیدنی شما حداقل یک ساعت دمای خود را حفظ کند. (۱) حفظ کردن (۲) وارونه کردن (۳) چرخاندن، چرخیدن (۴) پس‌روی کردن

۴۶- گزینه «۳» حصار در زمان تنفس (فاصله بین دو اجرا)، به علت تسلط پایین گلن به گیتار، اجرای تک‌نوازی او را ترک کردند. (۱) تاثیر، برخورد (۲) پذیرش، قبول (۳) خبرگی، تسلط (۴) اجرا، عملکرد

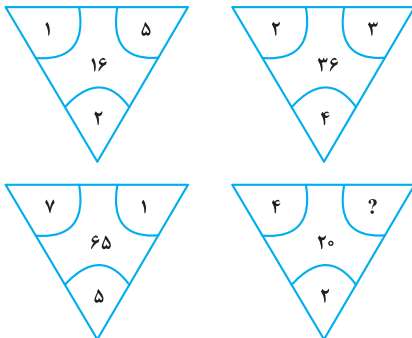
۴۷- گزینه «۲» جدول‌های این روزنامه قطعاً قابل حل هستند، هر چند هر چه به آخر هفته نزدیک‌تر می‌شویم، پیچیدگی جدول‌ها بیشتر شده طوری که جدول روز شنبه بسیار دشوار می‌باشد. (۱) منعطف (۲) قابل حل، حل‌شدنی (۳) ملموس (۴) سخت، دشوار

بخش چهارم: حل مسئله

■ **راهنمایی:** این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کمی، شامل مقایسه‌های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و... تشکیل شده است. توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را براساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.

■ **راهنمایی:** هر کدام از سؤال‌های ۲۴ تا ۲۷ را به دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

کج ۲۴- بین اعداد هر کدام از چهار شکل زیر، ارتباط خاص و یکسانی برقرار است. به جای علامت سؤال، کدام عدد زیر باید قرار بگیرد؟



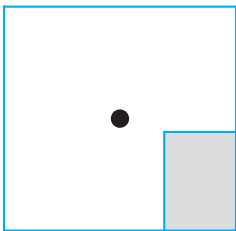
۸ (۱)

۶ (۲)

۵ (۳)

۴ (۴)

کج ۲۵- یک استخر خالی با کف مربع شکل را در نظر بگیرید. همواره قسمتی از کف استخر که سایه است (قسمت هاشورخورده در شکل زیر)، یک مستطیل با نسبت اضلاع ۲ به ۳ است. دقیقاً زمانی که لبه سایه به نقطه وسط استخر می‌رسد، چند درصد از مساحت کف استخر هنوز آفتاب است؟



۷۵ (۱)

۶۲/۵ (۲)

۳۷/۵ (۳)

۳۲/۵ (۴)

کج ۲۶- درآمد صادق نصف درآمد سعید، ولی هزینه‌های منزل صادق چهار برابر هزینه‌های منزل سعید است. اگر صادق ۶۰ درصد از درآمدش را صرف هزینه‌های خود کند، چه نسبتی از درآمد سعید برای هزینه‌های منزلش کافی است؟

$\frac{3}{40}$ (۴)

$\frac{25}{100}$ (۳)

$\frac{3}{10}$ (۲)

$\frac{1}{16}$ (۱)

کج ۲۷- در یک مرکز واکنش‌یون، با تزریق ۲۴ هزار واکنش، تعداد واکنش‌های موجود در آن مرکز، ۶۰ درصد کاهش می‌یابد. چند واکنش دیگر اگر تزریق شود، تعداد واکنش‌های باقی‌مانده ۴۰ درصد کاهش خواهد یافت؟

۸۰۰۰ (۴)

۶۴۰۰ (۳)

۴۸۰۰ (۲)

۲۴۰۰ (۱)

■ **راهنمایی:** سؤال ۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

• اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه (۱) را علامت بزنید.

• اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه (۲) را علامت بزنید.

• اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه (۳) را علامت بزنید.

• اگر براساس اطلاعات داده شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه (۴) را علامت بزنید.

کج ۲۸- در یک آزمایشگاه میکروبی‌شناسی، ۶ کارشناس طی ۴ روز، ۱۲۰ آزمایش انجام می‌دهند.

(ب)

تعداد کارشناسانی که طی ۵ روز، ۱۷۵

آزمایش انجام می‌دهند.

(الف)

تعداد روزهایی که طی آن، ۸

کارشناس ۲۴۰ آزمایش انجام می‌دهند.



راهنمایی: با توجه به اطلاعات، جدول و نمودار زیر، به سؤال‌های ۲۹ و ۳۰ پاسخ دهید.

اطلاعات مربوط به بیماران بستری و ترخیصی ۳ بخش «الف»، «ب» و «ج» یک بیمارستان، جمع‌آوری شده است. جدول شماره ۱، نسبت بیماران بستری از مجموع بستری‌ها و نسبت بیماران ترخیصی از مجموع ترخیصی‌ها را به تفکیک هر بخش و جدول شماره ۲، نسبت بیماران ترخیصی هر بخش به مجموع بیماران همان بخش را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- «نسبت بیماران بستری از مجموع بستری‌ها و نسبت بیماران ترخیصی از مجموع ترخیصی‌ها، به تفکیک هر بخش»

بیمار بخش	بستری	ترخیص
«الف»	$\frac{1}{5}$	$\frac{2}{5}$
«ب»	$\frac{3}{5}$	$\frac{2}{5}$
«ج»	$\frac{1}{5}$	$\frac{1}{5}$

جدول شماره ۲- «نسبت بیماران ترخیصی هر بخش به مجموع بیماران همان بخش»

بخش	«الف»	«ب»	«ج»
نسبت	$\frac{3}{4}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{3}{5}$

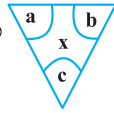
۲۹- نسبت تعداد بیماران (بستری و ترخیصی) بخش «الف» به بخش «ب»، کدام است؟

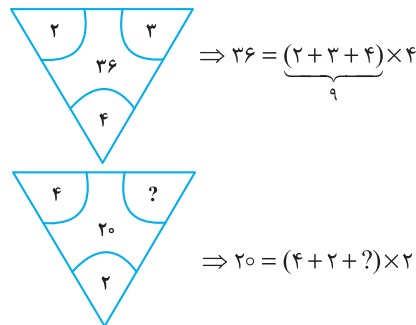
- (۱) $\frac{2}{9}$ (۲) $\frac{5}{12}$ (۳) $\frac{2}{3}$ (۴) $\frac{5}{8}$

۳۰- اگر تعداد بیماران ترخیصی بخش «ب» ۱۲۰ نفر باشد، مجموع بیماران بخش «ج»، چند نفر است؟

- (۱) ۱۰۰ (۲) ۱۲۰ (۳) ۱۶۰ (۴) ۲۴۰

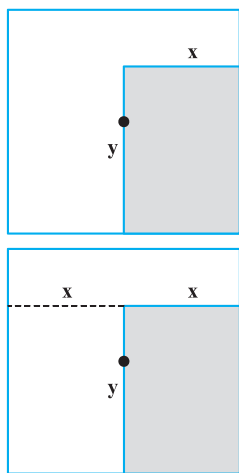
بخش چهارم: حل مسأله

۲۴- گزینه «۴» در هر ترکیب  رابطه به صورت $x = (a + b + c) \times c$ است. مثلاً در ترکیب اول داریم:



بنابراین برای رابطه آخر داریم:

خُب، علامت سؤال چند باشد تا وقتی مجموع اعداد داخل پراتنز در ۲ ضرب شد، حاصل ۲۰ شود؛ واضح است $= 4$ باید باشد تا مجموع اعداد داخل پراتنز ۱۰ شود تا وقتی در ۲ ضرب می‌شود حاصل ۲۰ شود.



۲۵- گزینه «۲» سؤال گفته یک مستطیل که نسبت اضلاعش همواره ۲ به ۳ است را سایه در نظر بگیرید. وقتی لبه این سایه به مرکز استخر (مربع شکل) می‌رسد، چند درصد مساحت کف استخر، هنوز آفتاب است؟ در واقع با افزایش سایه چنین مستطیلی مدنظر است که طول اضلاعش را نمی‌دانیم ولی می‌دانیم نسبت x به y ، همواره ۲ به ۳ است. پس تا اینجا رابطه‌ی مقابل را داریم:

$$\frac{x}{y} = \frac{2}{3} \quad (*)$$

می‌خواهیم ببینیم مساحت نسبت قسمت هاشور نخورده به مساحت مربع چقدر است؟

برای راحتی کار می‌توانیم مساحت قسمت هاشورخورده به کل مربع را در نظر بگیریم و حاصل را از عدد ۱۰۰ کم کنیم. اما برای حل توجه کنید که چون عرض مستطیل هاشورخورده یا همان x ، دقیقاً به اندازه فاصله ضلع تا مرکز مربع است، پس طول ضلع مربع $2x$ است. پس داریم:

$$\text{نسبت مساحت قسمت هاشورخورده به مساحت مربع} = \frac{\text{مساحت مستطیل هاشورخورده}}{\text{مساحت مربع}} = \frac{x \times y}{(2x)^2} = \frac{xy}{4x^2} = \frac{y}{4x} = \frac{1}{4} \left(\frac{y}{x} \right)$$

خُب، در تساوی (*) نسبت $\frac{x}{y} = \frac{2}{3}$ بود و یا می‌توان در نظر گرفت $\frac{y}{x} = \frac{3}{2}$ ، با جایگزینی در رابطه‌ی اخیر داریم:

$$\frac{\text{مساحت قسمت سایه}}{\text{مساحت مربع}} = \frac{1}{4} \left(\frac{y}{x} \right) = \frac{1}{4} \left(\frac{3}{2} \right) = \frac{3}{8} = 37.5\% \text{ (درصد)}$$

اما طراح از ما مساحت قسمت آفتاب به کل مربع را خواسته است که به راحتی با کم کردن این عدد از ۱۰۰ حاصل $100 - 37.5 = 62.5$ می‌شود.

۲۶- گزینه «۴» درآمد صادق را x و درآمد سعید را y در نظر می‌گیریم. هزینه صادق را x_1 و هزینه سعید را هم y_1 در نظر می‌گیریم. از صورت سؤال

$$x = \frac{1}{2}y ; (1) \quad , \quad y_1 = \frac{1}{4}x_1 ; (2) \quad \text{تساوی‌های مقابل را داریم:}$$

$$\frac{60}{100}x = x_1 \Rightarrow x = \frac{10}{6}x_1 = \frac{5}{3}x_1 \quad (3) \quad \text{همچنین می‌دانیم:}$$

$$\frac{y_1}{y} = \frac{\frac{1}{4}x_1}{2x} = \frac{\frac{1}{4}x_1}{2 \times \frac{5}{3}x_1} = \frac{1}{4 \times 2 \times \frac{5}{3}} = \frac{3}{40} \quad \text{می‌خواهیم بدانیم } \frac{y_1}{y} \text{ چقدر است؟ با کمک گرفتن از روابط ۱ و ۲ در ابتدا و سپس از رابطه‌ی (۳) داریم:}$$

۲۷- گزینه «۳» تعداد واکسن‌های موجود در این مرکز را در ابتدا x می‌نامیم. از جمله‌ی ابتدایی متن داریم:

$$x - 24000 = \frac{40}{100}x \Rightarrow x - \frac{4}{10}x = 24000 \Rightarrow \frac{6}{10}x = 24000 \Rightarrow \frac{3}{5}x = 24000 \Rightarrow x = 40,000$$

پس تعداد واکسن‌ها ۴۰,۰۰۰ عدد بوده است. گفته شده است که چند واکسن دیگر تزریق شود تا تعداد واکسن‌های باقی مانده ۴۰ درصد کاهش یابد؟

تعداد واکسن باقیمانده $40,000 - 24,000 = 16,000$ است. برای این که ۴۰ درصد این ۱۶,۰۰۰ عدد کم شود باید $\frac{40}{100} \times 16,000$ واکسن تزریق شود که

$$\frac{40}{100} \times 16,000 = \frac{40}{100} \times 1600 = 6400 \quad \text{پس از ساده‌سازی و محاسبه ۶۴۰۰ عدد واکسن باید تزریق شود.}$$



۲۸- گزینه «۲» سؤال یک تناسب مرکب است، سراغ محاسبه‌ی مقدار ستون‌ها می‌رویم:

محاسبه مقدار ستون (الف):

$$\begin{array}{c|c} \text{آزمایش} & \text{روز کارشناس} \\ \hline ۱۲۰ & ۶ \times ۴ \\ \hline ۲۴۰ & ۸ \times x \end{array} \Rightarrow ۶ \times ۴ \times ۲۴۰ = ۱۲۰ \times ۸ \times x \xrightarrow{\text{طرفین تقسیم بر ۱۲}} ۶ \times ۴ \times ۲ = ۸x \Rightarrow ۴۸ = ۸x \Rightarrow x = ۶$$

محاسبه مقدار ستون (ب):

$$\begin{array}{c|c} \text{آزمایش} & \text{روز کارشناس} \\ \hline ۱۲۰ & ۶ \times ۴ \\ \hline ۱۷۵ & x \times ۵ \end{array} \Rightarrow ۶ \times ۴ \times ۱۷۵ = x \times ۵ \times ۱۲۰ \xrightarrow{\text{طرفین تقسیم بر ۲۴}} ۱۷۵ = ۵x \times ۵ \Rightarrow ۱۷۵ = ۲۵x \Rightarrow x = \frac{۱۷۵}{۲۵} = ۷$$

با توجه به این که مقدار ستون (الف) برابر با ۶ و مقدار ستون (ب) برابر با ۷ به دست آمده، لذا گزینه (۲) جواب سؤال است.

تعداد بیماران بستری و ترخیص در بخش (الف)، (ب) و (ج) را به ترتیب زیر نمایش می‌دهیم:

$$\begin{cases} \text{بخش (الف):} \\ x_1 = \text{تعداد بیماران بستری} \\ x_2 = \text{تعداد بیماران ترخیصی} \end{cases} \quad \begin{cases} \text{بخش (ب):} \\ y_1 = \text{تعداد بیماران بستری} \\ y_2 = \text{تعداد بیماران ترخیصی} \end{cases} \quad \begin{cases} \text{بخش (ج):} \\ z_1 = \text{تعداد بیماران بستری} \\ z_2 = \text{تعداد بیماران ترخیصی} \end{cases}$$

۲۹- گزینه «۳» در این سؤال طراح از ما نسبت $\frac{x_1 + x_2}{y_1 + y_2}$ را خواسته است. از جدول شماره (۲) داریم:

$$\frac{x_2}{x_1 + x_2} = \frac{3}{4} \Rightarrow 3(x_1 + x_2) = 4x_2 \Rightarrow x_1 + x_2 = \frac{4}{3}x_2 \quad ; (1)$$

$$\frac{y_2}{y_1 + y_2} = \frac{1}{2} \Rightarrow y_1 + y_2 = 2y_2 \quad ; (2)$$

تا اینجا کار می‌توان خواسته سؤال را به صورت مقابل برحسب دو متغیر x_1 و y_1 نوشت:

$$\frac{x_1 + x_2}{y_1 + y_2} = \frac{\frac{4}{3}x_2}{2y_2} = \frac{4}{6} \left(\frac{x_2}{y_2} \right) = \frac{2}{3} \left(\frac{x_2}{y_2} \right) \quad ; (*)$$

اگر نسبت $\frac{x_2}{y_2}$ را پیدا کنیم، کار تمام است. سراغ جدول شماره (۱) می‌رویم:

$$\left\{ \begin{array}{l} \frac{\text{بیماران ترخیصی بخش (الف)}}{\text{کل بیماران ترخیصی}} = \frac{x_2}{x_2 + y_2 + z_2} = \frac{2}{5} \\ \frac{\text{بیماران ترخیصی بخش (ب)}}{\text{کل بیماران ترخیصی}} = \frac{y_2}{x_2 + y_2 + z_2} = \frac{2}{5} \end{array} \right. \xrightarrow{\text{تقسیم طرفین دو رابطه بر هم}} \frac{x_2}{y_2} = \frac{\frac{2}{5}}{\frac{2}{5}} = 1$$

پس در رابطه (*) به جای $\frac{x_2}{y_2}$ ، عدد یک قرار می‌دهیم و لذا جواب سؤال $1 = \frac{2}{3} \times 1 = \frac{2}{3}$ می‌شود.

۳۰- گزینه «۱» در این سؤال می‌دانیم $y_2 = 120$ و دنبال $z_1 + z_2$ هستیم.

با توجه به جدول شماره (۱)، $\frac{2}{5}$ از کل ترخیصی‌ها مربوط به بخش (ب) و $\frac{2}{5}$ از ترخیصی‌ها مربوط به بخش (الف) و $\frac{1}{5}$ از ترخیصی‌ها مربوط به بخش (ج) هستند. اگر تعداد کل ترخیصی‌ها را N بنامیم، داریم:

$$\frac{2}{5}N = 120 \Rightarrow N = 300$$

پس تعداد ترخیصی‌های بخش (ج) برابر با $\frac{1}{5} \times 300 = 60$ بوده است. حالا به جدول شماره (۲) مراجعه می‌کنیم.

$$\frac{\text{بیماران ترخیصی در بخش (ج)}}{\text{مجموع بیماران بخش (ج)}} = \frac{3}{5} \Rightarrow \frac{60}{60+a} = \frac{3}{5} \Rightarrow 300 = 180 + 3a \Rightarrow 3a = 120 \Rightarrow a = 40$$

پس مجموع بیماران $60 + 40 = 100$ می‌شود.



If I'm asked what the next most important quality is for a novelist, that's easy too: focus—the ability to concentrate all your limited talents on whatever's critical at the moment. Without that you can't accomplish anything of value, while, if you can focus effectively, you'll be able to compensate for an erratic talent or even a shortage of it. I generally concentrate on work for three or four hours every morning. I sit at my desk and focus totally on what I'm writing. I don't see anything else; I don't think about anything else.

After focus, the next most important thing for a novelist is, hands down, endurance. If you concentrate on writing three or four hours a day and feel tired after a week of this, you're not going to be able to write a long work. What's needed for a writer of fiction - at least one who hopes to write a novel - is the energy to focus every day for half a year, or a year, two years

Fortunately, these two disciplines - focus and endurance - are different from talent, since they can be acquired and sharpened through training. You'll naturally learn both concentration and endurance when you sit down every day at your desk and train yourself to focus on one point. This is a lot like the training of muscles ... gradually you'll expand the limits of what you're able to do. Almost imperceptibly you'll make the bar rise. This involves the same process as jogging every day to strengthen your muscles and develop a runner's physique Patience is a must in this process, but I guarantee the results will come The great mystery writer Raymond Chandler once confessed that even if he didn't write anything, he made sure he sat down at his desk every single day and concentrated.

51- What is the primary purpose of the passage?

- 1) To point out the shortcomings of a common understanding of a special ability
- 2) To illuminate the factors underlying a phenomenon
- 3) To categorize a concept based on a common theme
- 4) Contrast the alternative interpretations of a skill

52- In paragraph 1, the writer has used an analogy in order to

- 1) correct a misunderstanding
- 2) deflate his early statement
- 3) downplay the role of talent
- 4) further support his thesis

53- Which of the following best describes the function of paragraph 2 in relation to the central theme of paragraph 1?

- 1) Qualifies it to some extent
- 2) Rejects it invoking the history of art
- 3) Accentuates it with further examples
- 4) Introduces a number of exceptions to it

54- What does the passage state about Schubert and Mozart?

- 1) They vanished from the world of art when their fame had begun to wane.
- 2) Their present-day appeal is wholly attributable to their unworldly genius.
- 3) Their early death made a contribution to their unprecedented renown.
- 4) They perished at a time when they were in their heydays.

55- Which of the following statements is true, according to the passage?

- 1) One's talent is not under one's full control.
- 2) The qualities required to make someone a great novelist are acquired rather than innate.
- 3) Anyone short of talent is highly unlikely to be able to produce a decent novel of enough length.
- 4) Focus and endurance are two qualities that can be picked up very fast in formal training sessions.

PASSAGE 2:

Polar bears are being increasingly threatened by the effects of climate change, but their disappearance could have far-reaching consequences. They are uniquely adapted to the extreme conditions of the Arctic Circle, where temperatures can reach - 40°C. One reason for this is that they have up to 11 centimeters of fat underneath their skin. Humans with comparative levels of adipose tissue would be considered obese and would be likely to suffer from diabetes and heart disease. Yet the polar bear experiences no such consequences.

A 2014 study by Shi Ping Liu and colleagues sheds light on this mystery. They compared the genetic structure of polar bears with that of their closest relatives from a warmer climate, the brown bears. This allowed them to determine the genes that have allowed polar bears to survive in one of the toughest environments on Earth. Liu and his colleagues found the polar bears had a gene known as APoB, which reduces levels of low-density lipoproteins (LDLs) - a form of 'bad' cholesterol. In humans, mutations of this gene are associated with increased risk of heart disease. Polar bears may therefore be an important study model to understand heart disease in humans.

The genome of the polar bear may also provide the solution for another condition, one that particularly affects our older generation: osteoporosis. This is a disease where bones show reduced density, usually caused by insufficient exercise, reduced calcium intake or food starvation. Bone tissue is constantly being remodeled, meaning that bone is added or removed, depending on nutrient availability and the stress that the bone is under. Female polar bears, however, undergo extreme conditions during every pregnancy. Once autumn comes around, these females will dig maternity dens in the snow and will remain there throughout the winter, both before and after the birth of their cubs. This process results in about six months of fasting, where the female bears have to keep themselves and their cubs alive, depleting their own calcium and calorie reserves. Despite this, their bones remain strong and dense.

Physiologists Alanda Lennox and Allen Goodship found an explanation for this paradox in 2008. They discovered that pregnant bears were able to increase the density of their bones before they started to build their dens. In addition, six months later, when they finally emerged from the den with their cubs, there was no evidence of significant loss of bone density. Hibernating brown bears do not have this capacity and must therefore resort to major bone reformation in the following spring. If the mechanism of bone remodeling in polar bears can be understood, many bedridden humans, and even astronauts, could potentially benefit.

 **56- What is the passage mainly concerned with?**

- 1) The medical benefits of the polar bear for humanity
- 2) Differences between the polar bear and the brown bear
- 3) The way the polar bear has managed to survive over time
- 4) The physiological similarity between polar bears and humans

 **57- Which of the following can be understood from the passage about the study by Shi Ping Liu and colleagues?**

- 1) It ushered in further studies designed to use animals' physiology to combat diseases in humans.
- 2) It was motivated by the polar bear's exceptional ability to overcome diseases that are fatal to humans.
- 3) It revealed the reason why the polar bear is immune to a condition that is detrimental to humans.
- 4) It led to the discovery of a special gene whose mutation is believed to have terrible consequences for humans.

 **58- Which of the following does the underlined "one" in paragraph 3 refer to?**

- 1) genome
- 2) condition
- 3) solution
- 4) polar bear

 **59- Which of the following is NOT stated about the pregnant polar bear?**

- 1) It does not significantly lose the strength and density of its bone, although it does not eat anything for about six months.
- 2) It stays, for some time, in the den it constructs not only before but also after the birth of its cubs.
- 3) It begins to augment the density of its bone shortly after building its den to start fasting.
- 4) It consumes its own calcium and calorie reserves during the time it is in its den.

 **60- What rhetorical function or technique is not used in the development of the main point in the last paragraph?**

- 1) Process description
- 2) Appeal to authority
- 3) Contrast
- 4) Causality

متن ۲:

خرس‌های قطبی به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر تغییرات اقلیمی تهدید می‌شوند اما ناپدید شدن آنها می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در پی داشته باشد. آنها به طرز بی‌نظیری با شرایط نامعتدل مدار قطب شمال سازگارند، جایی که دمای هوا به چهل درجه سانتیگراد زیر صفر می‌رسد. یکی از دلایل این است که آنها بیش از یازده سانتی‌متر چربی زیر پوست خود دارند. انسان‌ها با این سطح نسبی بافت چربی، افراد چاق محسوب می‌شوند و احتمالاً از دیابت و بیماری قلبی رنج می‌برند. اما، خرس قطبی چنین عواقبی را تجربه نمی‌کند.

مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۴ توسط شی پینگ لیو و همکارانش صورت گرفت، این راز را برملا می‌کند. آنها ساختار ژنتیکی خرس‌های قطبی را با ساختار ژنتیکی نزدیک‌ترین خویشاوندانشان یعنی خرس‌های قهوه‌ای از آبهوایی گرم‌تر مقایسه کردند. با این کار، آنها مجاز به تعیین ژن‌هایی شدند که به خرس‌های قطبی اجازه بقا در یکی از دشوارترین محیط‌های کره زمین را داده است. لیو و همکارانش پی بردند که خرس‌های قطبی ژنی به نام ApoB دارند که سطوح لیپوپروتئین‌های کم چگال یا همان LDL - کلسترول بد {خون} - را کاهش می‌دهد. در انسان‌ها، جهش‌های ناگهانی این ژن با افزایش خطر بیماری قلبی همراه است. بنابراین، خرس‌های قطبی ممکن است یک مدل مطالعه مهم برای درک بیماری‌های قلبی در انسان‌ها باشند.

ژنوم خرس قطبی همچنین ممکن است راه‌حلی برای بیماری دیگری ارائه دهد، بیماری‌ای که به ویژه بر نسل قدیمی ما تأثیر می‌گذارد: پوکی استخوان. این نوعی بیماری است که در آن استخوان‌ها کاهش تراکم نشان می‌دهند و معمولاً ناشی از ورزش ناکافی، کاهش دریافت کلسیم یا گرسنگی غذایی است. بافت استخوان مدام در حال بازسازی است؛ بدین معنی که استخوان بسته به در دسترس بودن مواد مغذی و استرسی که تحت آن است، می‌تواند اضافه یا حذف شود. با این وجود، خرس‌های قطبی ماده طی هر بارداری، شرایط بسیار سختی را تحمل می‌کنند. وقتی که فصل پاییز فرا می‌رسد، این خرس‌های ماده لانه‌هایی برای وضع حمل در برف‌ها حفر می‌کنند و در طول فصل زمستان، هم قبل و هم بعد از تولد تولد‌هایشان در آنجا خواهند ماند. این فرایند منجر به حدود شش ماه روزه‌داری می‌شود که طی آن خرس‌های ماده باید خود و تولد‌هایشان را زنده نگه دارند و ذخایر کلسیم و کالری خود را از دست بدهند. با این وجود، استخوان‌هایشان قوی و متراکم باقی می‌ماند.

فیزیولوژیست، آلاندا اینوکس و آلین گودشپ در سال ۲۰۰۸، توضیحی برای این پارادوکس پیدا کردند. آنها کشف کردند که خرس‌های باردار قبل از اینکه شروع به ساختن لانه‌هایشان کنند، می‌توانند تراکم استخوان‌های خود را افزایش دهند. به علاوه، شش ماه بعد، وقتی بالاخره همراه با تولد‌هایشان از لانه خارج شدند، هیچ مدرکی از کاهش محسوس تراکم استخوان وجود نداشت. خرس‌های قهوه‌ای که به خواب زمستانی می‌روند، این ظرفیت را ندارند و بنابراین، باید در بهار آینده به بازسازی اساسی استخوان متوسل شوند. اگر بتوان مکانیزم بازسازی استخوان در خرس‌های قطبی را درک کرد، بسیاری از انسان‌های بستری و حتی فضانوردان هم می‌توانند به طور بالقوه از آن بهره‌مند شوند.

۵۶- گزینه «۱» متن اساساً به چه چیزی پرداخته است؟

گزینه (۱): مزایای پزشکی خرس قطبی برای انسان

توضیح: سؤال از نوع main topic است، پس باید گزینه‌ای انتخاب شود که در کل متن مورد بحث قرار گرفته. با یک نگاه سریع می‌توان به گزینه (۱) رسید. همچنین در اینجا آخرین جمله متن خیلی کمک‌کننده است:

If the mechanism of bone remodeling in polar bears can be understood, many bedridden humans, and even astronauts, could potentially benefit.

۵۷- گزینه «۳» کدام‌یک از موارد زیر درباره پژوهش شی پینگ لیو و همکارانش از متن برداشت می‌شود؟

گزینه (۳): این پژوهش نشان داد {مشخص کرد} که چرا خرس قطبی در برابر بیماری‌ای که برای انسان‌ها مضر است، ایمن می‌باشد.

توضیح: گزینه (۱) به وضوح رد می‌شود اما سه گزینه دیگر نیاز به بررسی دقیق‌تر دارند:

بررسی گزینه (۲): «توانایی خارق‌العاده خرس قطبی برای غلبه بر بیماری‌هایی که برای انسان مرگبار هستند، دلیل و علت انجام این پژوهش بود.» اول از همه اینکه طراح با کاربرد واژه fatal (مرگبار)، دیابت و بیماری‌های قطبی را زیادی بزرگ کرده و در هیچ کجای متن حرفی از مرگبار بودن این بیماری‌ها زده نشده. ثانیاً، اینکه طراح گفته overcome diseases به این معناست که خرس قطبی به این بیماری‌ها مبتلا می‌شود اما این توانایی را دارد که بر آنها غلبه کند؛ در حالی که متن گفته خرس قطبی به رغم چربی زیادش به این بیماری‌ها مبتلا نمی‌شود.

بررسی گزینه (۳): جواب در خط زیر یافت می‌شود:

A 2014 study by Shi Ping Liu and colleagues sheds light on **this mystery**.

this mystery (این معما) به این برمی‌گردد: «چرا خرس قطبی به رغم لایه‌های چربی ۱۱ سانتی‌متری دچار بیماری قلبی و دیابت نمی‌شود؟»

بررسی گزینه (۴): «این پژوهش به کشف ژن خاصی انجامید که گفته می‌شود جهش پیامدهای وحشتناکی برای انسان دارد.» در اینجا هم ایرادی که می‌توان گرفت شاید به کارگیری terrible consequences باشد.



۵۸- گزینه «۲» ضمیر one در پاراگراف ۳ به condition برمی‌گردد.

۵۹- گزینه «۳» کدامیک از موارد زیر در مورد خرس قطبی باردار در متن بیان نشده است؟

گزینه (۳): تراکم استخوانش را اندکی بعد از ساخت لانه افزایش می‌دهد تا شروع به روزه‌داری و غذا نخوردن کند.

توضیح: بررسی گزینه (۱): طبق جمله زیر کنار می‌رود:

In addition, six months later, when they finally emerged from the den with their cubs, there was *no evidence of significant loss of bone density*.

بررسی گزینه (۲): طبق جمله زیر کنار می‌رود:

Once autumn comes around, these females will dig maternity dens in the snow and will remain there throughout the winter, both *before and after the birth of their cubs*.

بررسی گزینه (۳): طبق جمله زیر جواب است:

They discovered that pregnant bears were able to increase the density of their bones **before** they started to build their dens.

بررسی گزینه (۴): طبق جمله زیر کنار می‌رود:

... cubs alive, *depleting their own calcium and calorie reserves*.

۶۰- گزینه «۱» در توسعه ایده و نکته اصلی پاراگراف آخر از کدامیک از فنون بلاغتی زیر استفاده نشده است؟

گزینه (۱): توصیف فرایند

توضیح: بررسی گزینه (۲): اشاره به دو فیزیولوژیست در ابتدای پاراگراف، نشان‌دهنده «متوسل شدن به نظر دیگران» (appeal to authority) است.

بررسی گزینه (۳): مقایسهٔ مجدد خرس قطبی و خرس قهوه‌ای، نشان‌دهنده استفاده از فن contrast (مقایسه) در این پاراگراف است.

بررسی گزینه (۴): کاربرد عبارت explanation for this paradox به معنی حضور رابطه علت معلولی (causality) در این پاراگراف است.

بخش چهارم: استعداد منطقی

■ **راهنمایی:** برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌های را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به واقعیت‌های مطرح‌شده در هر سؤال و نتایج که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

کلمه ۲۱- مکالمات خیالی به معنی صحبت‌های خیالی در عالم واقع یا در عالم خواب از زبان اشخاص غیرواقعی، اشیا و یا حیوانات، سبک انتقادی نوینی بود که در مطبوعات دوره قاجار برای بیان انتقادهای سیاسی - اجتماعی نسبت به اقدامات دولت قاجار، به‌ویژه شخص محمدعلی شاه و دیگر مخالفان مشروطه، مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از این سبک، به دلیل الگوبرداری‌های متعدد میانی سیاسی - اجتماعی موجود در مشروطه از گفتمان انقلاب کبیر فرانسه و روشنفکران تأثیرگذار بر آن انقلاب، به نظر می‌رسد براساس آشنایی با رویکردهای انتقادی فرنگ، مورد تقلید قرار گرفته است. این وجه نوین انتقادی، نخست در آثار کسانی چون ملک‌مخاں و آخوندزاده استفاده شد و پس از آن، مطبوعات فارسی‌زبان برون‌مرزی مانند اختر، قانون، ثریا، پرورش و حبل‌المتین، به دلیل عدم نظارت دولت قاجار، به استفاده از آن برای بیان انتقادهای خود پرداختند.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، به بهترین وجه، ادعای مربوط به بروز و استفاده از مکالمات خیالی در مطبوعات دوره قاجار را تضعیف می‌کند؟

- ۱) کسانی که از این شیوه نگارشی استفاده کردند، با نمونه این شیوه نگارش که در ادبیات فارسی به‌صورت متون منثور و مسجع در قرون قبل وجود داشته است، کاملاً آشنا بودند.
- ۲) مطبوعات فارسی‌زبان برون‌مرزی، به همان اندازه مطبوعات فارسی‌زبان برون‌مرزی، از شیوه مکالمات خیالی برای بیان مسائل اجتماعی استفاده می‌کردند.
- ۳) بسیاری از روشنفکران انقلاب فرانسه، از شیوه‌های نگارشی تقلیدی استفاده می‌کردند.
- ۴) استفاده از مکالمات خیالی، از قدرت کافی برای انتقاد سیاسی برخوردار نبود.

کلمه ۲۲- محتوای کتب درسی و تمرین‌های آن‌ها باعث شده است که معلمان نتوانند از روش‌های فعال تدریس استفاده کنند. تحلیل محتوای کتب درسی دوره دبیرستان نشان می‌دهد که تنها ۳۷ درصد معیارهای روش‌های تدریس فعال در کتب درسی این دوره اعمال شده است. بنابراین، معلمین خود اقدام به طراحی آموزش فعال محتوای کتب درسی می‌کنند تا شاگردان به درستی و کامل با مفاهیمی که ارائه می‌گردد، آشنا شوند و امکان برهم‌زدن نظم کلاس نیز از دانش‌آموزان خاطی سلب شود. با این وضع، ضروری است که محتوای کتب درسی با توجه به چگونگی آموزش و اعمال روش‌های تدریس فعال بازنگری گردد.

کدام مورد، فرض موجود در استدلال فوق است؟

- ۱) آنانی که کتب درسی دوره دبیرستان را طراحی کرده‌اند، اعتقادی به لزوم استفاده از روش‌های نوین آموزش نداشته‌اند.
- ۲) با اعمال تغییرات محتوایی در کتب درسی، می‌توان باعث ارتقای نمرات درسی دانش‌آموزان به طور معنی‌دار شد.
- ۳) معلمین دبیرستان آشنایی لازم را با تهیه و تدوین تمرین‌های درسی براساس روش تدریس فعال دارند.
- ۴) متخصصین تهیه و تدوین مواد درسی، به هنگام تهیه و تدوین مطالب مربوطه برای سطح دبیرستان، بهتر است با معلمین مربوطه همفکری کنند.

کلمه ۲۳- در دیدگاه رفتارگرایان، انسان یک ارگانیسم تجربه‌گراست که استعداد بالقوه‌ای برای هر رفتاری دارد. به اعتقاد این گروه، انسان در بدو تولد، مانند لوح سفیدی است که هیچ چیزی بر آن نوشته نشده است. در این مکتب، هدف تعلیم و تربیت، تشکیل ذهن به وسیله ایجاد ارتباط و اتحاد میان محتویات ذهنی که به وسیله امور خارجی وارد ذهن شده است، می‌باشد. بنابر این نظریه، قوای ذهنی مثل حافظه، دقت و تفکر، ادراک و حتی احساسات عبارتند از ترتیبات و تداعی‌هایی که در اثر برخورد ذهن با عوامل و موقعیت‌های جدید به وجود آمده‌اند. جان لاک، جان استوارت میل، دیوید هیوم و جرج برکلی، به گسترش تجربه‌گرایی یاری رساندند. به اعتقاد آن‌ها، معرفت واقعی از راه حواس حاصل می‌شود و ادراک تجربه حسی، تنها وسیله ارتباط انسان با واقعیت‌ها و جهانی است که او را دربر گرفته است.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، به بهترین وجه، دیدگاه رفتارگرایان را، آن‌گونه که در متن توصیف شده است، زیر سؤال می‌برد؟

- ۱) حافظه، دقت و تفکر، ادراک و احساسات افراد مختلف، به‌خاطر تفاوت در شرایط زندگی و تجربیات مختلف، به شکل واحدی رشد و قوام نمی‌یابند.
- ۲) برخی حامیان رفتارگرایی، برداشت درست و کاملی از تمامی اصول این مکتب ندارند.
- ۳) امروزه روان‌شناسان بر این باورند که در صورت تلاش، شاید بتوان مکتب تعلیم و تربیتی جامع‌تر و متفاوت از رفتارگرایی فراهم آورد.
- ۴) ثابت شده است که بسیاری از ادراکات و باورهای ذهنی افراد، ژنتیکی است و همراه آن‌ها به دنیا می‌آیند.



کج ۲۴- برای بازنگریستن نهایی به آنچه در این سطور آمد، اینک به سخن آغازین درباره معنای عالم در زبان متداول فارسی برمی‌گردیم. عالمی که درباره هویت غربی - شرقی آن گفتیم، معنایش همان است که در زبان محاوره و روزمره می‌گوییم. این عالمی که ما آدمیان امروزین برای خود ساخته‌ایم، در وهله اول، نشان غرب بر پیشانی دارد و در پی و در واکنش به آن است که، شرقی یا اسلامی یا ملی یا نظیر آن‌ها می‌شود و این، یعنی چنین هویتی، ثانوی است و عرضی. این عالم درعین‌حال، عالمی است مجازی، مجاز خود ماست و از هیچ جبر واقعی و نفس‌الامری بر نمی‌آید. پس چنین عالمی کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن را کامل می‌کند؟

- ۱) عناصر محتوایی قابل تجزیه و تحلیلی ندارد، چرا که از بنیان بوج است
- ۲) برهم‌زدنی و به‌هم‌خوردنی هم هست
- ۳) حالا حالاها مسلط و چیره می‌ماند
- ۴) غرب‌زدگی را هم با خود دارد

کج ۲۵- یکی از علت‌های دیگر بروز تنبلی اجتماعی، این است که افراد حاضر در گروه، تصور می‌کنند دیگران سخت کار نمی‌کنند و لذا با احساس کم‌کاری سایرین، تنبلی خود را توجیه می‌کنند. گفته‌های کارکنان یک سازمان را در مواقعی که برای کم‌کاری زیر سؤال می‌روند، می‌توان در این قالب تفسیر کرد. برخی در پاسخ به این سؤال، مدعی هستند آنان که سخت کار می‌کنند، با آن‌هایی که تنبلی می‌کنند، در عمل تفاوتی ندارند. این پدیده «دلیل تراشی» نامیده می‌شود که به صورت غیرمستقیم، بر از بین بردن انگیزه پیشرفت مؤثر است که خود، از دلایل اساسی تنبلی اجتماعی در سازمان است. علت دیگر تنبلی اجتماعی، نبودِ وفاق سازمانی در سازمان یا گروه و یا عدم شناسایی سهم هر فرد در گروه و عدم نگرانی نسبت به ارزیابی شدن است؛ زیرا به میزانی که در گروه، ارزیابی و نظارت کاهش پیدا کند، به همان میزان هم تنبلی اجتماعی بالا می‌رود.

کدام مورد را می‌توان به درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

- ۱) کار گروهی می‌تواند یک دلیل تنبلی اجتماعی باشد، چون در کار گروهی، مکانیسمی برای تعیین سهم واقعی هر فرد در تکمیل پروژه محوله وجود ندارد.
- ۲) دلیل اصلی عدم پیشرفت فردی کارکنان در سازمان‌هایی که مبتلا به تنبلی اجتماعی هستند، عدم نظارت کافی بر حسن انجام کار است.
- ۳) در جوامعی که تنبلی اجتماعی وجود دارد، همدلی سازمانی و حسن مسئولیت‌پذیری کم می‌شود.
- ۴) تنبلی اجتماعی پدیده‌ای است که بروز و رشد آن، تحت‌تأثیر عوامل برون‌فردی قرار دارد.



بخش چهارم: استعداد منطقی

۲۱- گزینه «۱» ادعای مربوط به بروز و استفاده از مکالمات خیالی در مطبوعات دوره قاجار این است که با توجه به الگوبرداری‌های متعدد انقلاب مشروطه از گفتمان انقلاب کبیر فرانسه و روشنفکران تأثیرگذار بر آن انقلاب، این شیوه نگارشی هم از آن‌ها الهام گرفته شده است؛ پس اگر فرض کنیم افرادی که از این شیوه نگارشی استفاده کرده‌اند، با نمونه این شیوه نگارش در ادبیات فارسی در قرون قبل آشنایی کامل داشته‌اند، ادعای متن تضعیف می‌گردد.

۲۲- گزینه «۳» متن این موضوع را بیان می‌کند که محتوای کتب درسی براساس روش تدریس فعال نیست و استدلال می‌نماید که می‌بایست محتوای کتب درسی با توجه به چگونگی آموزش و اعمال روش‌های تدریس فعال بازنگری گردد؛ مفروض پنهان این استدلال که اگر برقرار نباشد، استدلال اساساً نادرست خواهد شد، این است که می‌بایست خود معلمان دبیرستان نیز آشنایی لازم را با تهیه و تدوین تمرین‌های درسی براساس روش تدریس فعال داشته باشند.

۲۳- گزینه «۴» رفتارگرایان این دیدگاه را دارند که انسان چون لوح سفید متولد می‌گردد؛ بنابراین این موضوع که ثابت شده است که بسیاری از ادراکات و باورهای ذهنی افراد، ژنتیکی است و همراه آن‌ها به دنیا می‌آیند، دیدگاهشان را زیر سؤال می‌برد.

۲۴- گزینه «۲» انتهای متن در مورد مجازی بودن عالم و جبری نبودن و گزینشی بودن آن سخن می‌گوید؛ پس این عالم هم‌چنان قابلیت تغییر دارد و «برهم‌زدنی و به‌هم‌خوردنی هم است».

۲۵- گزینه «۴» عواملی که متن در مورد بروز و رشد پدیده تنبلی اجتماعی برمی‌شمرد (نظیر مقایسه افرادی که سخت کار می‌کنند و افرادی که تنبلی می‌کنند و یا نبود وفای سازمانی و عدم شناسایی سهم هر فرد در گروه و عدم نگرانی نسبت به ارزیابی شدن)، عواملی برون‌فردی محسوب می‌گردند.

سؤالات زبان و ادبیات فارسی

مجموعه دروس تخصصی (کلیات ادبی (تاریخ ادبیات، دستور، عروض و قافیه، نقد و نظریه‌های ادبی معاصر)، متون نظم و نثر، زبان عربی، متون نظم، متون نثر، بلاغت)

■ عین الأصح والأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب (۱-۹)

کله ۱- «كان النَّاسُ أُمَّةً واحدةً فبعث الله النَّبِيِّينَ مبشِّرِينَ و منذرين، و أنزل معهم الكتابَ بالحقِّ ليحكمَ بين الناسِ فيما اختلفوا فيه ...»:

- (۱) مردمان در آغاز ملّتی واحد بودند و الله پیغامبران را برای مژده دادن و برحذر داشتن ارسال کرد، و با آنان کتابی را به حق فرستاد تا بین مردم داوری کنند در آنچه اختلاف دارند!
- (۲) مردم ابتدا امتی یگانه بودند و خدا پیامبرانی را مژده‌آور و اخطارکننده فرستاد، و کتابی را به حق نازل کرد تا پیامبران در آنچه مردمان اختلاف دارند حکمیت کنند!
- (۳) مردم امتی واحد بودند و خداوند پیامبران را مژده‌دهنده و هشداردهنده مبعوث کرد، و با آنان به حق کتاب را نازل کرد تا بین مردم در آنچه اختلاف کرده‌اند حکمیت کنند!
- (۴) مردمان ملّت یگانه‌ای بودند آنگاه الله پیغامبرانی را برای مژده دادن و انذار کردن مبعوث کرد، و با آنان کتاب حق را فرستاد تا داوری کند در آنچه بین خود اختلاف کرده‌اند!

کله ۲- «إذا أقبلت الدنيا على أحد أعارته محاسن غيره، و إذا أدبرت عنه سلبته محاسن نفسه!»:

- (۱) دنیا هرگاه به کسی روی آورد نیکی‌های دیگران را به او عاریت دهد، و چون از او روی برگرداند نیکی‌های او را برآید!
- (۲) اقبال دنیا به انسان موجب وصول خیرات او به دیگران می‌شود، و ادبار دنیا از انسان مایه سلب خیرات از او می‌گردد!
- (۳) هرگاه دنیا به کسی اقبال کند زیبایی‌های دیگران را به وی ببخشد، و هرگاه به او پشت کند زیبایی‌هایش را از وی بستاند!
- (۴) وقتی دنیا به آدمی روی می‌آورد نیکی‌های وی را به دیگران افزون می‌سازد، و وقتی از او روی برگرداند خوبی‌هایش را از وی دریغ کند!

کله ۳- عین الصحيح:

- (۱) أغلبنا بحاجة ماسة إلى معلّم ماهر ندرس عليه: أغلب ما به معلّمی ماهر نیاز داریم که با روش او درس بخوانیم!
- (۲) أصبحت أمتنا أكثر ما تكون بحاجة إلى التضامن و التعاون: امت ما اکنون بیش از پیش نیازمند اعتماد متقابل و همکاری است!
- (۳) لسنا في حاجة إلى أيّ من القوى العظمى للحصول على الاكتفاء الذاتي: ما برای دستیابی به تولید ملی به هیچ‌یک از ابرقدرت‌ها نیاز نداریم!
- (۴) إنّ مثل هذه الكتب لا تُعار من مكتبة الجامعة لكثرة حاجة الطلاب إليها: چنین کتاب‌هایی به دلیل کثرت نیاز دانشجویان به آنها، از کتابخانه دانشگاه امانت داده نمی‌شود!

کله ۴- «و دع غمار العلى للمقدمين على ركوبها، و اقتنع منهنّ بالبلل!»:

- (۱) گرد و غبار محنت را رها کن، و از دنیا به اندک نعمتی بسنده کن!
- (۲) رها کن اندوه بزرگواری را برای اقدام‌کنندگان، و تو خود به استراحت قانع باش!
- (۳) غم‌های بزرگ را برای اهلهش رها کن، و خود به بلاهای کوچک در این روزگار بسنده کن!
- (۴) گرداب‌های بزرگواری را برای شجاعانی بگذار که بر آن می‌نشینند، و تو خود به نمی از آن قانع باش!

کله ۵- «توقّة فمتی ما شئتَ تَبَلَوَهُ فكنّ مُعَادِيَهُ أو كُنْ له نَسَبًا!»:

- (۱) خود را از او حفظ کن و اگر بخواهی او را گرفتار سازی، با او لجاجت کن یا با او درآویز!
- (۲) از او بپرهیز و هرگاه قصد آزمودن وی را کنی، با او دشمنی کن و علیه مال و منال او باش!
- (۳) از او بر حذر باش و چون بخواهی او را بیازمایی، یا دشمن او باش یا مال و منالی در دستش!
- (۴) خویشتن را از او دور بدار و هروقت اراده کنی او را مبتلی سازی، با وی یا ستیزه کن یا گلاویز شو!

کله ۶- «أريد مكاناً من كريم يصونني!». عین الأقرب لمفهوم المصراع:

- (۱) خواهم از آسیب حوادث در جوار مأمون او محروس بمانم!
- (۲) بخشنده با مکانتی می‌خواهم تا بتوانم به او پناه ببرم!
- (۳) از آسیب حوادث به جوار او پناه جستم!
- (۴) در پناه دولت او جایی می‌طلبم!

کھ ٧- «قصد الصّفار الميمنة - و عليها موسى - و قتل خلقاً كثيراً، منهم المبرقع، أما نفسه فقد نجا مع خواصّ من أوليائه!». عيّن الخطأ: تدلّ العبارة على أنّه

- (١) كان موسى قائداً لميمنة جيش العدو!
 (٢) لم ينج أحد من أوليائه في هذه المعركة!
 (٣) قُتل المبرقع في هجوم الصّفار على الميمنة!
 (٤) قد هجم الصّفار على قلب جيش العدو و هزمهم!

کھ ٨- «از زمان های دور تا به امروز بسیاری از دانشمندان و ادیبان به نوشتن شرح بر این کتاب روی آورده اند!»:

- (١) إنّ غالبية العلماء و الأدباء من العهد البعيد و حتّى هذه الأيام يبادرون بشرح الكتاب هذا!
 (٢) إنّ أغلب العلماء و الأدباء بادروا بإيجاد شروح على هذا الكتاب من الأزمنة البعيدة حتّى اليوم!
 (٣) قد أقبل كثير من العلماء و الأدباء على وضع شرح لهذا الكتاب منذ أمد بعيد و حتّى يومنا هذا!
 (٤) قد أقبلوا الكثير من العلماء و الأدباء لكتابة شروح على هذا الكتاب منذ زمن بعيد حتّى هذا اليوم!

کھ ٩- «تا قبل از آن روزها هرگز ندیده بودم که کسی از خوشحالی گریه کند!»:

- (١) ما رأيت أبداً أحداً يتباكى للفرح قبل تلك الأيام!
 (٢) لم أر قطُّ قبل تلك الأيام أنّ أحداً يبكي فرحاً!
 (٣) لم أشاهد أبداً أحداً في بكاء الفرح إلى تلك الأيام!
 (٤) ما شاهدت قطُّ إلّا في تلك الأيام أنّ أحداً يبكي فرحاً!

■ عيّن الصحيح في التشكيل (١٠ و ١١)

کھ ١٠- «الأول الذي لم يكن له قبل فيكون شيء قبله، والآخر الذي ليس له بعد فيكون شيء بعده»:

- (١) قبلٌ - يَكُونُ - قَبْلَهُ - الأَخِرُ
 (٢) يَكُنُّ - فيكونُ - شَيْءٌ - قَبْلَهُ
 (٣) له قبلٌ - قَبْلَهُ - الأَخِرُ - بَعْدُ
 (٤) يَكُونُ - فيكونُ - شَيْءٌ - بَعْدَهُ

کھ ١١- «أكل الفاكهة ينقى الدم و لا سيّما تفاحة تؤكل بعد الفطور، أما أكلها قبل الفطور، و لا سيّما الطازجة منها فهي أكثر فائدة!»:

- (١) أكلَ الفاكهة - يُنقى الدّم - أمّا أكلها قبلَ الفُطورِ
 (٢) يُنقى الدّم - و لا سيّما تفاحة - تُؤكلُ بعدَ الفُطورِ
 (٣) أكلها قبلَ الفُطورِ - و لا سيّما الطّازجة منها - أكثرُ فائدةً
 (٤) و لا سيّما تفاحة - أمّا أكلها قبلَ الفُطورِ - و لا سيّما الطّازجة

■ عيّن المناسب للجواب في الإعراب و التحليل الصرفي (١٢-١٥)

کھ ١٢- «متى ما تلقى من تهوى دَع الدنيا و أهملها!». عيّن الخطأ:

- (١) دع: فعل أمر - مجرد ثلاثي - معتل و مثال (إعلاله بالحذف) - متعدّد - فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت» و الجملة فعلية
 (٢) تلقى: مجرد ثلاثي - معتل و ناقص (إعلاله بالقلب و الحذف) - فعل شرط و مجزوم بحذف حرف العلة - فاعله ضمير «أنت» المستتر
 (٣) متى: اسم غير متصرف من أدوات الشرط الجازمة و الظروف غير المتصرفة - مبتدأ و مرفوع محلاً و الجملة اسمية
 (٤) تهوى: مضارع - لفيق مقرون - متعدّد - مع فاعله جملة فعلية و صلة و عائدها محذوف، تقديره «تهواه»

کھ ١٣- «إنك لست بسابقٍ أجلك و لا مرزوقٍ ما ليس لك، و اعلم أنّ الدنيا يومان يوم لك و يوم عليك!». عيّن الخطأ:

- (١) سابق: مجرور بحرف الجرّ، سابق: جار و مجرور و متعلّقهما فعل «لست» - أجل: مفعول به و منصوب لشبه الفعل «سابق»
 (٢) إنك: اسمه ضمير الكاف و خبره الجملة «لست ...» - لست: من الأفعال الناقصة و اسمه ضمير التاء البارز و خبره «سابق» شبه الفعل
 (٣) و لا مرزوق: الواو حرف عطف، و «لا» حرف زائد لتأكيد النفي، و مرزوق: اسم مفعول و شبه الفعل و نائب فاعله الضمير المستتر فيه تقديره «أنت»
 (٤) الدنيا: مشتق و اسم تفضيل، و اسم «أنّ» و خبره «يومان» - يوم: بدل تفصيل أو تفرّيع، و مرفوع بالتبعية للمبدل منه «يومان» أو على أنّه خبر لمبتدأ محذوف

کھ ١٤- «أقيمُ بدار الحزم، مادام حزمها و أحرّ - إذا حالت - بأنّ أتحوّلاً!». عيّن الخطأ:

- (١) مادام: من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، «ما» حرف مصدرى و ظرفي تأويله «مدّة دوامه ...»، اسمه «حزم» و خبره محذوف
 (٢) أحرّ: فعل لإنشاء التعجب على وزن الأمر، مفعوله المصدر المؤول «أنّ أتحوّلاً» و هو مجرور في اللفظ بحرف الباء الزائدة
 (٣) أتحوّلاً: مضارع من باب تفعّل، و المصدر المؤول متعجب منه و مجرور بحرف الباء الزائدة في اللفظ و مرفوع محلاً على أنّه فاعل لفعل «أحر»
 (٤) أقيم: فعل مضارع، مزيد ثلاثي من باب إفعال، معتل و أجوف، إعلاله بالاسكان بنقل الحركة ثمّ بالقلب، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنا»



کله ۱۵- «و من يتبع جاهداً كلَّ عثرة» يجدها، و لا يسلم له الدهر صاحباً! عین الصحیح:

- (۱) يسلم: مجرد ثلاثی، معطوف علی جواب الشرط فيجوز فيه الجزم و الرفع، فاعله الاسم الظاهر «صاحب» و الجملة فعلية
 (۲) يجد: معتل و مثال (له الإعلال بالحذف)، فعل جواب شرط و مجزوم، فاعله الاسم الظاهر «صاحب» - الدهر: مفعول به لفعل «يسلم»
 (۳) عثرة: اسم الهيئة أو النوع من مصدر «عثر»، مضاف إليه للمضاف «كلّ»، و فعل «يجد» مع فاعله جملة فعلية و نعت للمنعوت «عثرة»
 (۴) يتبع: مضارع من باب «تفعل»، فعل شرط و مجزوم - جاهداً: حال مفردة و منصوب و عامل الحال فعل يتبع، و صاحبها الضمير المستتر في العامل
- عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۶-۲۰)

کله ۱۶- «بمینی أجمت، سلّت بمینی / فقد ضيعت ترجمة اليميني». عین الموقع الإعرابي لما أشير إليه بخط:

- (۱) مبتدأ / نائب فاعل / مضاف
 (۲) خبر / مفعول به / نعت
 (۳) مبتدأ / فاعل / مضاف إليه
 (۴) خبر / فاعل / نعت
- کله ۱۷- «سبحان الله حين تمسون و حين تصبحون / عسى الله أن يغفر للعباد» عین الصحیح عن الأفعال المشار إليها بخط:
- (۱) ناقص / ناقص / ناقص
 (۲) تامّ / ناقص / مقاربة
 (۳) مقاربة / مقاربة / ناقص
 (۴) تامّ / تامّ / مقاربة

کله ۱۸- «شاهدت طلبة فاضلة أخواتهم». عین الصحیح عن كلمة «فاضلة»:

- (۱) حال مفردة
 (۲) نعت سببي
 (۳) مضاف إليه
 (۴) نعت حقيقي

کله ۱۹- عین الصحیح عن التوكيد:

- (۱) ذهب الحاج أجمع كلهم لزيارة بيت الله الحرام!
 (۲) غيرت أماكن الكراسي كلّ في صالة الاستقبال!
 (۳) علقت اللوحين الجميلتين كليهما على جدار الغرفة!
 (۴) إنّ معلّمنا نفسها قد زرعت في قلوبنا بذور الأمل!

کله ۲۰- «ألا كلّ شيء ما خلا الله باطل». عین الصحیح عن إعراب لفظ الجلالة «الله»:

- (۱) مجرور وجوباً بحرف الجرّ
 (۲) مرفوع وجوباً على الفاعلية
 (۳) منصوب وجوباً على المفعولية
 (۴) منصوب أو مجرور جوازاً

کله ۲۱- با توجه به ابیات زیر کدام گزینه از میان مفاهیم کنایی «دست کشیدن» درست است؟

- «دست بدین پیشه کشیدم که هست» تا نکشم پیش تو یک روز دست
 «دستکش کس نیم از بهر گنج» دستکشی می خورم از دست رنج»
- (۱) اقدام کردن
 (۲) ترک کردن
 (۳) تنبیه شدن
 (۴) مدیون بودن

کله ۲۲- کدام گزینه در باب توجیه مولانا از قتل زرگر در نخستین داستان مثنوی درست است؟

- (۱) طبیب الهی به وحی و الهام خداوند عمل کرد.
 (۲) از نظر طبیب الهی، مرگ زرگر تاوان عشق مجازی بود.
 (۳) طبیب الهی، با کشتن زرگر زندگی جاودان به او بخشید.
 (۴) طبیب الهی ملزم به اطاعت از پادشاه (مظهر عقل کلی) بود.

کله ۲۳- بیت زیر به کدام مقام عرفانی اشاره دارد؟

- «خنک آن کس که نقش خویش بشست» نه کس او را نه او کسی را شست»
- (۱) انقطاع
 (۲) بقاء بالله
 (۳) محو و محق
 (۴) فناء فی الله

کله ۲۴- زمینه معنایی کاربرد «تصویر» در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) چون بلبل تصویر به یک شاخ نشستی
 (۲) در نشاط و خرمی غافل نمی جوید سبب
 (۳) حلقه زنجیر تصویرم میسر از شیونم
 (۴) به دلتنگی چنان چون غنچه تصویر خو کردم
- ز افسردگی از شاخه به شاخی نپریدی
 زعفران حاجت نباشد خنده تصویر را
 ناله‌ای دارم که جز گوشم کسی نشنیده است
 که بر روی نسیم صبح نگشایم دل خود را

کله ۲۵- در کدام بیت معنای ضمنی «سبز» متفاوت است؟

- (۱) آسمان گر از خزان درد پامالم کند
 (۲) می شود سرسبز از عمر ابد، آن را که کشت
 (۳) بس که خوردم زهر غم، چون ریزد از هم پیکرم
 (۴) در میان جمع تا چون شمع باشی سرفراز
- بِه که سرسبز از بهار عافیت دارد مرا
 داده‌اند از چشمه خضر آب شمشیر تو را
 سبزپوش از خاک برخیزد غبارم همچو شمع
 سبز دار از آب چشم خود نهال خویش را

پاسخنامه زبان و ادبیات فارسی

مجموعه دروس تخصصی (کلیات ادبی (تاریخ ادبیات، دستور، عروض و قافیه، نقد و نظریه‌های ادبی معاصر)، متون نظم و نثر، زبان عربی، متون نظم، متون نثر، بلاغت)

۱- گزینه ۳: کان: بود / أمّة واحدة: امتی واحد / بعث: مبعوث کرد، فرستاد / النبیین: پیامبران / مُبشرین: مژده‌دهنده / منذرین: هشداردهنده / أنزل ب: نازل کرد / لیحکم: تا داوری کند، تا حکمیت کند / اختلفوا: اختلاف کرده‌اند.

نکته: هرگاه اسمی نکره باشد با «ی» یا «یک» یا «ی / یک» همراه می‌شود، مانند: رجل: مردی، یک مرد، یک مردی، اما اگر معرفه باشد بدون این شناسه‌ها ترجمه می‌شود، مانند: الرجل: مرد. با توجه به این نکته واژه «النبیین: پیامبران» معرفه است لذا عنوان نمودن آن به صورت «پیامبرانی» در گزینه (۲) و «پیغمبرانی» در گزینه (۴) نادرست است و همچنین واژه «کتابی» در گزینه (۱) و (۲) به صورت نکره نادرست است. در گزینه (۱) واژه «در آغاز» اضافی است و فاعل «یحکم»، «الکتاب» است نه پیامبران، لذا «داوری کنند» نادرست است و باید به صورت مفرد «داوری کند» ترجمه شود. در گزینه (۲) واژه «ابتدا» اضافی است و همچنین «پیامبران حکمیت کند» نادرست است. در گزینه (۴) عبارت «بین خود» اضافی است.

۲- گزینه ۱: إذا: هرگاه / أقبلت: روی آورد / محاسن: نیکی‌ها / أعارت: به عاریت داد / أدبرت: روی برگرداند / سلبت: ربود با توجه به ترجمه واژگان فوق، گزینه (۱) صحیح است.

در گزینه (۲) فعل «أقبلت» به صورت اسم «أقبال» ترجمه شده که نادرست است. همچنین فعل «أعارت» را به اشتباه «موجب وصول» ترجمه نموده که نادرست است و واژه «أدبرت» را به صورت اسم «ادبار» ترجمه نموده که صحیح نیست. در گزینه (۳) واژه «محاسن: نیکی‌ها» را به اشتباه «زیبایی‌ها» ترجمه نموده که نادرست است. در گزینه (۴) «إذا» ادات شرط و به معنای «هرگاه، اگر» می‌باشد که فعل شرط آن به صورت مضارع التزامی و جواب شرط آن به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود که این نکات مهم در گزینه (۴) رعایت نشده است. بنابراین «روی می‌آورد، افزون می‌سازد و دریغ کند» عبارت‌هایی هستند که در گزینه (۴) کاملاً نادرست ترجمه شده‌اند.

۳- گزینه ۴: در گزینه (۱) عبارت «حاجة ماسة» به معنای «نیاز مبرم، نیاز شدید» می‌باشد که واژه «ماسة» در این گزینه ترجمه نشده است. همچنین عبارت «با روش» اضافی است و در عبارت عربی نیامده است.

در گزینه (۲) واژه «اکنون» اضافی است و همچنین واژه «التضامن» به معنای «همبستگی، اتحاد، انسجام» می‌باشد که در ترجمه به اشتباه «اعتماد متقابل» عنوان شده و نادرست است.

در گزینه (۳) عبارت «الإکتفاء الذاتی» به معنای «خودکفایی، استقلال» می‌باشد که در ترجمه آن به اشتباه «تولید ملی» عنوان شده و نادرست است، بنابراین گزینه (۴) صحیح است.

۴- گزینه ۴: دَع: رها کن / غمار: گیرودار، بحبوحه، میانه، وسط / العلی: بزرگواری، ارجمندی؛ غمارُ العلی: کوران بزرگواری، گرداب‌های بزرگواری / مقدمین: جلوداران، شجاعان / رکوب: سوار شدن، نشستن / إقتنع: قانع باش، بسنده کن / بَلَّل: نم، شبنم با توجه به ترجمه واژگان فوق، گزینه ۴ صحیح است.

در گزینه (۱) واژه‌های «مقدمین» و «علی رکوبها» ترجمه نشده‌اند و عبارت «از دنیا به اندک نعمتی» نادرست ترجمه شده است و همچنین واژه «غمار العلی» را به اشتباه «گرد و غبار محنت» ترجمه نموده که نادرست است.

در گزینه (۲) عبارت «غمار العلی» را به اشتباه «اندوه بزرگواری» ترجمه نموده و همچنین «علی رکوبها» را ترجمه نکرده و کلمه «بلل» را به اشتباه «استراحت» ترجمه کرده که نادرست است.

در گزینه (۳) عبارت «غمار العلی» را به اشتباه «غم‌های بزرگ» ترجمه نموده و «مقدمین» را به اشتباه «هلش» ترجمه کرده و عبارت «علی رکوبها» را ترجمه نکرده و واژه «بلل» را به اشتباه «بلاهای کوچک» ترجمه نموده که نادرست است. همچنین در این گزینه عبارت «در این روزگار» اضافی است.

۵- گزینه ۳: توقّه: از او برحذر باش، خود را از او حفظ کن / متی: هرگاه / شئت: بخواهی، خواستی / تبلوه: او را بیازمایی، او را آزمایش کنی / کُن: باش / معادی: دشمن / نَسب: برافروخته، شعله‌ور با توجه به ترجمه واژگان فوق، گزینه (۳) صحیح است.

در گزینه (۱) فعل «تبلی» را به اشتباه «گرفتار سازی» ترجمه نموده و همچنین واژه «معادی» را به اشتباه «لجاجت» ترجمه نموده که نادرست است.

در گزینه (۲) فعل «تبلی» را به صورت اسم «آزمودن» ترجمه نموده که نادرست است و همچنین واژه «علیه» اضافی است.

در گزینه (۴) واژه «خویشتن» اضافی است و همچنین فعل «تبلی» را به اشتباه «مبتلی سازی» ترجمه نموده که نادرست است و همچنین عبارت «گلاویز شو» ترجمه صحیحی برای «نشب» نیست.

۶- گزینه «۱» ترجمه عبارت: «از بخشنده مکانی را می‌خواهم که مرا (از بلاها و مصیبت‌های روزگار) حفظ کند.» و این معنا قرابت بیشتری با گزینه (۱) دارد. در گزینه (۲) هم بخشنده و هم مکان را درخواست نموده که با عبارت سؤال همخوانی ندارد؛ زیرا در عبارت سؤال از بخشنده، مکانی درخواست شده است. در گزینه (۳) معنای عبارت با مفهوم سؤال قرابت معنایی ندارد زیرا در عبارت سؤال از بخشنده مکانی درخواست می‌شود که در مصیبت‌هایی که هنوز بر وی واقع نشده او را حفظ نماید، اما در گزینه (۳) هیچ اشاره‌ای به «درخواست مکان» نشده است. در گزینه (۴) به فعل «یصوننی: مرا از حوادث روزگار حفظ کند» هیچ اشاره‌ای نشده است، همچنین به واژه «کریم» نیز اشاره‌ای نشده است.

۷- گزینه «۴» ترجمه عبارت: «صقار به جناح راست دشمن که موسی در آن حضور داشت، حمله کرد و افراد بسیاری را کشت، از جمله مبرقع، اما موسی به همراه چند تن از یاران مخصوصش نجات یافت.»
الف - موسی رهبر جناح راست سپاه دشمن بود. (صحیح است)
ب - هیچ‌یک از یاران موسی در این نبرد نجات نیافتند. (صحیح است فقط یاران مخصوصش نجات یافتند)
ج - مبرقع در حمله صقار به جناح راست، کشته شد. (صحیح است)
د - صقار به قلب سپاه دشمن حمله کرده و آنها را شکست داده است. (نادرست است زیرا صقار فقط به جناح راست دشمن حمله کرده و در متن به قلب سپاه اشاره‌ای نشده است)

۸- گزینه «۳» از زمان‌های دور: مُنذُ اَمَدٍ بَعِيدٍ / تا به امروز: حَتَّى یَوْمِنَا هَذَا / بسیاری از: کَثِیرٌ مِنْ / دانشمندان: العُلَمَاءُ / ادیبان: الأَدَبَاءُ / نوشتن شرح: وَضَعُ شَرْحٍ / بر این کتاب: لِهَذَا الْکِتَابِ / روی آورده‌اند: قَدْ أَقْبَلُوا
با توجه به تعریب واژگان فوق، گزینه (۳) صحیح است.
در گزینه (۱) فعل «روی آورده‌اند» معادل ماضی نقلی می‌باشد: «قَدْ أَقْبَلُوا» بنابراین عنوان نمودن «بیادرون» به صورت «مضارع اخباری» نادرست است.
در گزینه (۲) فعل «بادروا: اقدام کردند، مبادرت ورزیدند» معادل صحیحی برای «روی آورده‌اند» نمی‌باشد. همچنین «ایجاد شروح» تعریب صحیحی برای «نوشتن شرح» نمی‌باشد.
در گزینه (۴) فعل «اقبلوا» به صورت جمع آمده، حال آنکه فعل در زبان عربی در ابتدای جمله به صورت مفرد می‌آید، به جهت آنکه یک فعل نمی‌تواند به صورت همزمان دو فاعل داشته باشد: اقبلوا الكثير، لذا فعل در ابتدای جمله باید به صورت مفرد ذکر شود: «قَدْ أَقْبَلُ».

۹- گزینه «۲» تا قبل از آن روزها: قَبْلَ تَلْکِ الْاَیَّامِ / هرگز: قَطَّ / ندیده بودم: لَمْ أَرَهُ، ما شاهدتُ، لَمْ أَشْهَدْ / کسی: أَحَدٌ / گریه کند: یَبْکِی / از خوشحالی: فَرِحًا / که: أَنْ
با توجه به تعریب واژگان فوق، گزینه (۲) صحیح است.
در گزینه (۱) فعل «یتباکی» معادل صحیحی برای واژه «گریه کرد» نمی‌باشد و همچنین واژه «أحداً» به عنوان مفعول به اعراب پذیرفته که در عبارت فارسی چنین نقشی ندارد.
در گزینه (۳) واژه «أحداً» اعراب مفعول به را پذیرفته در حالی که در عبارت سؤال چنین نقشی ندارد و همچنین فعل «گریه کند» به اشتباه به صورت اسم «بکاء» تعریب شده که نادرست است.
در گزینه (۴) واژه إِلَّا به معنای «به جز» معنا را مثبت نموده که «فقط در آن روزها دیدم...» و این کاملاً عکس عبارت فارسی سؤال است. لذا این گزینه هم نادرست است.

۱۰- گزینه «۱» تشکیل و حرکت گذاری صحیح عبارت چنین است:
«الْأَوَّلُ الَّذِي لَمْ یَکُنْ لَهُ قَبْلُ فِیکُونَ شَیْءٌ قَبْلَهُ وَ الْآخِرُ الَّذِي لَیْسَ لَهُ بَعْدُ فِیکُونَ شَیْءٌ بَعْدَهُ»: بنابراین در گزینه (۲) «فیکون» نادرست است. در گزینه (۳) «قَبْلَهُ» و در گزینه (۴) واژه «فیکون» نادرست است. فعل «فیکون» در جواب «نفی محض» آمده است. لذا پس از «فاء» سببیه، فعل مضارع «فیکون» به صورت منصوب می‌آید. همچنین واژه «قبله» خبر فعل ناقص «فیکون» و منصوب می‌باشد، لذا مرفوع عنوان نمودن آن در گزینه (۳) نادرست است.

۱۱- گزینه «۲» تشکیل و حرکت گذاری صحیح عبارت چنین است:
«أَكُلُ الْفَاکِهَةِ یُنْقِی الدَّمَّ وَ لَا سَیِّمًا تَفَاحَةً تُؤْکَلُ بَعْدَ الْفُطُورِ أَمَّا أَكُلُهَا قَبْلَ الْفُطُورِ وَ لَا سَیِّمًا الطَّازِجَةَ مِنْهَا فَهِيَ أَكْثَرُ فَائِدَةٌ».
نکته: هرگاه مستثنی پس از «لا سیمما» نکره باشد به سه صورت اعراب می‌پذیرد: ۱- مرفوع: که در این حالت خبر برای مبتدای محذوف است. ۲- منصوب: که در این حالت تمییز برای «سی» می‌باشد و «ما» زائده است. ۳- مجرور: که در این حالت مضاف‌الیه برای «سی» می‌باشد و «ما» زائده است. اما هرگاه مستثنی پس از «لا سیمما» معرفه باشد به دو صورت اعراب می‌پذیرد: ۱- مجرور ۲- مرفوع.
بنابراین در گزینه (۱) واژه «أکل» نادرست است و باید به صورت «اسم» بیاید نه «فعل» و همچنین واژه «الدّم» مفعول به و منصوب برای فعل «ینقی» است، لذا مرفوع آمدن آن نادرست است. در گزینه (۳) واژه «الطازجة» با توجه به نکته بالا یا مرفوع می‌آید یا مجرور، لذا منصوب آمدن آن نادرست است و در گزینه (۴) واژه «أکل» به صورت «فعل» نادرست است و باید به صورت اسم و مرفوع (مبتدا) بیاید.



۱۲- گزینه «۳» واژه «مَتَى» اسم زمان و متضمن معنای شرط است بنابراین نقش آن در عبارت سؤال «مفعول‌فیه» یا «ظرف زمان» است. نکته: ظروف غیرمتصرف دو نوع هستند: ۱- ظروفی که دائماً مفعول‌فیه و منصوب هستند، مانند: قط، عوض، بینما، إذا، اِثَان، اُنَى ۲- برخی از واژگانی که یا به صورت مفعول‌فیه می‌آیند یا با حرف جرّ «مِن» یا «إِلَى» یا «حَتَّى» یا «مُدَّ و مُنَدَّ» مجرور می‌شوند، مانند: «قبل، بعد، مَتَى، اِثَان، تحت، عند، لَدَى و ...». بنابراین اگر قبل از واژه «متی» حرف جرّی از حروف یادشده واقع نشود، فقط «مفعول‌فیه» است، لذا عنوان نمودن «مبتدا و مرفوع محلاً و الجملة اسمیة» نادرست است.

۱۳- گزینه «۱» واژه «سابق» لفظاً مجرور به حرف جرّ زائد «باء» می‌باشد و در معنی خبر فعل ناقص «لست» و منصوب است: لست سابقاً. نکته مهم: حروف جرّ زائد فقط لفظاً کلمه پس از خود را مجرور می‌نمایند اما دیگر نیازی به متعلق ندارند. با توجه به نکته بالا، عنوان نمودن متعلقهما فعل «لست» در گزینه (۱) نادرست است.

۱۴- گزینه «۲» فعل تعجب بر دو گونه است: ۱- ما أَفْعَلُ ۲- أَفْعَلُ بِ- «متعجب‌منه» در صیغه «ما أَفْعَلُ» به عنوان مفعول‌به منصوب می‌باشد؛ اما متعجب‌منه در صیغه «أَفْعَلُ بِ» لفظاً مجرور به باء زائده و محلاً مرفوع به عنوان فاعل می‌باشد. بنابراین عبارت «أَنْ أتحولاً» مصدر مؤول و مجرور به حرف جرّ زائد «باء» در لفظ می‌باشد و در معنی فاعل و مرفوع محلاً برای فعل «أحر» می‌باشد.

۱۵- گزینه «۱» در گزینه (۲) فاعل فعل «یجد»، ضمیر مستتر «هو» است و مفعول‌به آن ضمیر بارز «ها» در «یجدها» می‌باشد، بنابراین فاعل آن اسم ظاهر «صاحب» تا آخر نادرست است. در گزینه (۳) فعل «یجد» به همراه فاعلش، جمله فعلیه و نعت برای منوع «عثره» نادرست است زیرا به هیچ عنوان فعل «یجد» را نمی‌توان «جمله وصفیة» در نظر گرفت. در گزینه (۴) فعل «یتبع» از باب «إفعال» می‌باشد، بنابراین «تفعل» نادرست است.

۱۶- گزینه «۳» یَمِينِي أجزمت، شَلتْ يَمِينِي / فقد ضَيَعْتُ ترجمة اليمينِي
مبتدا فاعل مضاف‌اليه

با توجه به اعراب واژگان فوق، گزینه (۳) صحیح است.

۱۷- گزینه «۴» نکته: افعال ناقصه عبارت‌اند از: «كَانَ - ظَلَّ - باتَ - أَضْحَى - أَصْبَحَ - أَمْسَى - صارَ - لَيسَ» افعالی که غیر از اسم مرفوع، نیازمند به اسم منصوب باشند، ناقص نامیده می‌شوند. افعال ناقص بر دو قسمند: ۱- برخی از آنها به صورت تام و نیز به صورت ناقص عنوان می‌شوند ۲- پاره‌ای از آنها تنها به صورت ناقص عنوان می‌گردند. مقصود از تام آن است که معنای فعل به مرفوع تنها (فاعل) کامل می‌گردد و منظور از ناقص آن است که معنای فعل به مرفوع، کامل نشده بلکه نیازمند به اسم منصوب «خبر» نیز می‌باشد. بنابراین هرگاه «أَمْسَى» به معنای «داخل شدن در شب» و «أصبح» به معنای «داخل شدن در صبح» باشد، افعال تام خواهند بود و فقط به «فاعل» نیاز دارند. بنابراین دو فعل «تمسون» و «تصبحون» در آیه «سبحان الله حين تمسون و حين تصبحون»، تام هستند. نکته: افعال «كاد - كرب - أوشك - عسى - حرى - إخلوق - جعل - طَفِقَ - أَخَذَ - عَلِقَ - أنشأ»، افعال مقاربه نامیده می‌شوند و خبر فعل مقاربه «عسى» غالباً و در بیشتر مواقع، فعل مضارع و به همراه «أَنْ مصدریة» عنوان می‌شود. بنابراین در «عسى الله أن يغفر للعباد» فعل «عسى» از افعال مقاربه می‌باشد. لذا گزینه (۴) صحیح است.

۱۸- گزینه «۲» نعت (صفت) دو گونه است: ۱- حقیقی ۲- سببی

در نعت حقیقی، نعت با منوع خود در چهار مورد مطابقت می‌کند: ۱- اعراب «رفع - نصب - جر» ۲- نوع «تذکیر و تأنیث» ۳- معرفه و نکره ۴- تعداد «مفرد - مثنی - جمع». مانند: جاء الرجل العاقل، اما در نعت سببی چنانچه نعت اسم ظاهری را رفع دهد، در این حالت با منوع تنها در دو مورد یعنی «اعراب و معرفه و نکره» مطابقت خواهد کرد. اما در مذکر و مؤنث و تعداد (مفرد - مثنی - جمع) حکم نعت همانند حکم فعلی است که اسم ظاهری را رفع دهد. بنابراین در نعت سببی هرگاه به اسمی مؤنث اسناد داده شود، مؤنث آورده می‌شود و چنانچه به اسمی مذکر اسناد داده شود، مذکر آورده می‌شود و همچنین هرگاه نعت به اسم مفرد یا مثنی یا جمع اسناد داده شود - گرچه منوع مفرد نباشد - به صورت مفرد آورده می‌شود. بنابراین واژه «فاضلة» در عبارت سؤال، نعت سببی است، لذا گزینه (۲) صحیح است.

۱۹- گزینه «۴» نکته: تأکید معنوی دو گونه است: الف - تأکیدی که از اسم مضاف به مؤکد رفع توهم کند. این گونه از تأکید دارای دو لفظ است:

«نفس» و «عین». واژه‌های «نفس» و «عین» لازم است به ضمیری اضافه شوند و آن ضمیر با اسم مؤکد مطابقت نماید، مانند گزینه (۴). همچنین تأکید ضمیر مرفوع متصل با «نفس» در صورتی جایز است که نخست ضمیر متصل با ضمیری منفصل تأکید گردد؛ اما هرگاه مؤکد ضمیر منصوب یا مجرور باشد، واجب نیست آن ضمیر با ضمیری منفصل تأکید گردد. مانند گزینه (۴) که کاملاً صحیح است.

در گزینه (۱) لفظ «أجمع» به‌منظور تقویت تأکید شمول بعد از لفظ «کلّ» به‌کار می‌رود. بنابراین گزینه (۱) اشتباه است و صحیح آن «ذهب الحاج کلهم أجمعون...» می‌باشد.

در گزینه (۲) ضمیر «ه» در «کله» به مؤکد «أماکن» که جمع مکسر غیرعاقل است، برمی‌گردد؛ لذا باید به‌صورت مفرد مؤنث «ها» بیاید، بنابراین صحیح آن «کلها» می‌باشد.

در گزینه (۳) اسم‌های مثنیٰ مذکر به‌وسیله واژه «کِلا» و اسم‌های مثنیٰ مؤنث، توسط لفظ «کِلْتا» تأکید می‌شود. لذا در گزینه (۳) واژه «اللّوحتین» مثنیٰ مؤنث می‌باشد و باید به‌وسیله «کلتیهما» تأکید گردد و «کلیهما» نادرست است.

۲۰- گزینه «۳» نکته: هرگاه لفظ «ما» قبل از «خَلا» واقع نشود «مستثنی» را می‌توان منصوب یا مجرور عنوان نمود. منصوب به‌عنوان مفعول به برای فعل ماضی «خَلا» و مجرور به جهت آنکه «خَلا» حرف جارّ محسوب می‌شود مانند: جاء القوم خلا غلیّاً یا غلیّاً» اما هرگاه لفظ «ما» مصدری قبل از «خَلا» واقع شود، در این صورت باید اسم پس از آن (مستثنی) به‌صورت «منصوب» ذکر شود؛ زیرا لفظ «ما» در این صورت مصدریه بوده و «خَلا» صله برای «ما» به حساب می‌آید و فاعل «خَلا» ضمیری است که به بعض «مفهوم از مستثنی‌منه» باز می‌گردد و واژه «الله» مفعول به و منصوب است. بنابراین گزینه (۳) صحیح است.

۲۱- گزینه «۱» این ابیات از مخزن‌الاسرار انتخاب شده‌اند و منظور این است: من این شغل (پینه‌دوزی) را انتخاب کردم (من به این شغل اقدام کردم) تا دست‌گدایی نزد تو دراز نکنم/ دستکش اول به معنی گدا و دستکش دوم به معنی نوعی نان است.

۲۲- گزینه «۱» بر طبق توجیه خود مولانا بر اساس ابیات ۲۲۲-۲۴۶ دفتر اول مثنوی، طیب الهی به وحی و الهام خداوند برای کشتن کنیزک عمل کرد.

کشتن آن مرد بر دست حکیم	نه پی اومید بود و نه ز بیم
او نکشش از برای طبع شاه	تا نیامد امر و الهام اله
آنک از حق یابد او وحی و جواب	هرچه فرماید بود عین صواب
آنک جان بکشد اگر بکشد رواست	نایبست و دست او دست خداست

۲۳- گزینه «۱» این بیت به مقام انقطاع اشاره دارد. یکی از برترین مقامات عرفانی در سیر و سلوک قرآنی، رسیدن به مقام انقطاع الی‌الله و بریدن از غیر و وصول به معدن عظمت و انوار الهی است که حجاب‌های نوری را نیز کنار می‌زند و امکان رؤیت قلبی خدا را که لطیف است، فراهم می‌آورد و انسان از این رؤیت سرشار و سرمست از لذت می‌شود. اصطلاح انقطاع در قرآن به معنا و مفهوم انقطاع الی‌الله به‌کار نرفته است، بلکه این مفهوم از طریق واژگان «فرار» و «تبتل» بیان شده است. در فرهنگ قرآنی، اصطلاح «تَبَتُّل» به معنای انقطاع الی‌الله در عبادت و نیت به‌کار رفته است. انقطاع الی‌الله، تعبیری از حرکت باطنی انسان به سوی ذات باری تعالی است؛ آن هم حرکتی نه در مکان و طول زمان، بلکه بر فراز مکان و ماورای زمان که بر اساس آن، انسان سالک اندک‌اندک تعلقات را از قلب خود دور کرده و تنها به خدای متعال وابسته باشد. بر این اساس برخی از بزرگان گفته‌اند: مراد از انقطاع الی‌الله تعالی، وارستگی ضمیر و سر‌انسان از غیر خدای تعالی در همه ابعاد نیازمندی‌هاست.

بقای‌الله: اصطلاحی عرفانی و از مدارج عالی‌ه سیر الی‌الله، نهایت حالات مردان خدا و مقصد اقصا و هدف اعلاست. این مرحله بعد از مرحله فنا حاصل می‌شود. از آنجا که در این مرحله انانیتی (خودی) برای سالک نمانده است، آن را بقای‌الله می‌نامند. چون رسیدن به این مرحله کار هرکس نیست. این مرحله را مقام انبیا و اولیای کامل مطلق می‌دانند.

فنا فی‌الله: در مقام فنا، انسان خود و بندگی خود، تمایلات و تمنیات خود و جهان اطراف را در قبال حضرت حق هیچ می‌پندارد و فقط به خدا نظر دارد. اولیای الهی هرچه مشاهده می‌کنند، حق است؛ خواه با واسطه یا بی‌واسطه. این واسطه‌ها همان اسماء و صفات الهی است که برای ارباب سلوک و معرفت، حتی این حجاب‌های نوری نیز برطرف می‌گردد: «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک/ حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور...». این نهایت درجه فناست که بعد از آن، انسان محو کلی می‌شود و اضمحلال تام رخ می‌دهد. اینجاست که با گوش حق می‌شنود، با چشم حق می‌بیند و به لسان حق نطق می‌کند. این مطلب با عدم اکتنا ذات منافات ندارد. کنه ذات حق تعالی جز برای خودش، برای احدی معلوم نیست.

محو و محق: در کلمات عرفا سخن از محو و صحو نیز بسیار آمده است. مقصودشان از محو این است که عارف به جایی می‌رسد که محو در ذات حق می‌گردد و از خود فانی می‌شود؛ یعنی من در او محو می‌شود، او دیگر خود را مانند دیگران من درک نمی‌کند. اگر محو شدن به حدی برسد که آثار من نیز محو شود، محق نامیده می‌شود. محو و محق هر دو بالاتر از مقام غیبت هستند. محو و محق، فنا است ولی عارف ممکن است از حالت بقا بازگردد اما نه به این معنی که تنزل کند، بلکه به این معنی که بقای‌الله پیدا می‌کند. این حالت را که فوق حالت محو است، «صحو» می‌نامند.

۲۴- گزینه «۲» گزینه (۱): بلبل تصویر در شعر صائب نماد افسردگی است. معنی بیت این است که «تو نیز دچار افسردگی شده‌ای و ساکن بر جایست ایستاده‌ای، مانند بلبل تصویر که فقط یک جا نشسته و از شاخه‌ای به شاخ دیگر نمی‌پرد.»

گزینه (۲): خنده تصویر در شعر صائب نماد خندیدن از سر غفلت است. زعفران خاصیت ایجاد نشاط و خنده در آدمی دارد. معنی بیت «آدم غافل را که مثل تصویر، صورتی است بی‌عقل و معنی، در نشاط و خرمی نیاز به سبب نیست، هم‌چنان که تصویر را در خندیدن حاجت به زعفران نیست.»



کله ۲۴- ترکیب «مرغ‌زبانی کردن» در بیت زیر کنایه از چیست؟

- دام‌نه‌ای دانه‌فشانی مکن (۱) خودستایی کردن
 با چو منی مرغ‌زبانی مکن (۲) گزافه‌گویی کردن
 خدعه و نیرنگ به‌کار بستن (۳) اظهار عجز و ناتوانی کردن (۴)

کله ۲۵- مفهوم کلی مصرع دوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- هر که جهان خواهد کاسان خورد (۱) از بیم فردا، امروز را فدا نکردن
 تابستان برگ زمستان خورد (۲) در لحظه زندگی کردن و غم امروز و فردا را نخوردن
 در ایام فراخی نعمت، به فکر سختی ایام محنت بودن (۳) دم غنیمت شمردن و از مواهب ایام فراخی نعمت بهره‌مند شدن (۴)

کله ۲۶- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) روز دانش زوال یافت که بخت
 دیده دارد سپید بخت سیاه
 بخت را در گلیم بایستی
 چشم بد دور کز در بختم
 بر من راست‌فعل کز نگر است
 آن سپید، آفت سیاه سر است
 این سپیدی برص که در بصر است
 چرخ حلقه به گوش همچو در است

کله ۲۷- عبارتهای مشخص‌شده در کدام مورد به‌درستی معنی شده است؟

- (۱) نرآد طرب به مهره‌بازی
 در مدحت تو به هفت اقلیم
 شهباز سخن به دولت تو
 در کعبه حضرت تو جبریل
 از دست بنفش کرده ران را (مغلوب شدن)
 شش ضربه دهد سخنوران را (مغلوب ساختن)
 منقار بریده نوپران را (جرئت بخشیدن)
 دست‌آب دهد مجاوران را (امیدوار کردن)

کله ۲۸- معنای درست بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- به‌کار آبی و دین با دل و تنت گویان (۱) پیوسته به کار بیهوده مشغولی و این اهمال و بیهوده‌کاری، عمر تو را تباه کرده است.
 پیوسته به آشامیدن شراب مشغولی، در حالی که شراب‌خواری، بی‌آبرویت کرده است. (۲)
 پیوسته به کار شهوت و شکم مشغولی، و این شهوت و شکم، آبروی تو را به باد داده است. (۳)
 پیوسته در کار کشت و برداشت دنیایی هستی در حالی که این کشت و برداشت، تو را از عاقبت‌اندیشی دور کرده است. (۴)

کله ۲۹- معنای درست بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- وجود بی‌کف تو تنگ‌عیش بود چنان (۱) فرصت عیش جهان بدون بخشش تو چنان اندک بود که از مائده آسمانی من و سلوی نتوانست بهره یابد.
 عالم وجود پیش از آنکه کف بخشنده تو خلق شود، چنان بی‌مایه بود که مائده من و سلوی را آسایش و عشرت می‌دانست. (۲)
 وجود بی‌بخشش تو، ننگ زندگانی بود چنان که من و سلوی قوم بنی‌اسرائیل هم نمی‌توانست این ننگ را از دامن هستی بزدايد. (۳)
 عالم هستی در برابر عظمت جود و بخشش تو هیچ بود و مائده آسمانی که از خداوند به قوم موسی (ع) می‌رسید در مقابل بخشش تو از آغاز ارزشی نداشت. (۴)

کله ۳۰- مفهوم کلی ابیات زیر در کدام گزینه آمده است؟

- من چو خورشیدم درون نور غرق
 رفتنم سوی نماز و آن خدا
 کز نهم تا راست گردد این جهان
 می‌ندانم کرد خویش از نور فرق
 بهر تعلیم است ره مر خلق را
 حرب خدعه این بود ای پهلوان

- (۱) تجویز خرق نظام اخلاقی از سوی اولیای الهی به‌رغم مخالفت عامه
 استغراق اولیای الهی در حق و رستن از مناسک دینی مورد علاقه عامه
 التزام به مناسک دینی به‌رغم فنای وجود اولیای الهی به‌منظور هدایت عامه
 رابطه انتظام امور جهان با اعمال خارق عادت اولیای الهی علی‌رغم نظر عامه



۳۱- با توجه به ابیات زیر، فرعون را می‌توان جزو کدام دسته قرار داد؟

باز با خود گفته فرعون ای عجب
در نهان خاکی و موزون می‌شوم
رنگ زر قلب ده تو می‌شود
نه که قلب و قالبم در حکم اوست

من نه دریا ربنام جمله شب
چون به موسی می‌رسم چون می‌شوم
پیش آتش چون سیه‌رو می‌شود
لحظه‌ای مغزم کند یک لحظه پوست

(۱) اصحاب تأویل (۲) اصحاب تلوین (۳) اصحاب تمکین (۴) اصحاب تصریف

۳۲- در ابیات زیر، «تیشه، بیشه، شاخ، موصل، معطل» به ترتیب نماد چه چیزی هستند؟

خواجه تاشانیم اما تیشه‌ات
باز شاخی را موصل می‌کند

می‌شکافد شاخ را در پیشه‌ات
شاخ دیگر را معطل می‌کند

(۱) قدرت جزئیة الهی، عالم آفرینش، انسان، مؤمن، کافر
(۲) قضای الهی، جهان مادی، موالید ثلاثه، حیوان، جماد
(۳) اراده الهی، اعیان ثابت، صور کلیه مخلوقات، عقل، نفس
(۴) قدرت کونیة الهی، عالم احدیت، صورت مثالی انسان، عالم، جاهل

۳۳- مفهوم کلی بیت زیر در کدام مورد آمده است؟

ز آنک بینایی که نورش بازغ است
از دلیل چون عصا بس فارغ است

(۱) با عصا کوران اگر ره دیده‌اند
(۲) چون عصا شد آلت جنگ و نفیر
(۳) این عصا چه بود قیاسات و دلیل
(۴) تو عصا کش هر که را که زندگی است

در پناه خلق روشن دیده‌اند
آن عصا را خرد بشکن ای ضریر
آن عصا که دادشان بینا جلیل
بی‌عصا و بی‌عصاکش کور چیست؟

۳۴- مفهوم کدام مورد، با بیت زیر متفاوت است؟

رسته دهر و فلک دیده و بشناخته
رایج این را دغل بازی آن را دغا

(۱) نیست در بازار عالم خوشدلی ور زانک هست
(۲) بر سر بازار دهر نقد جفا می‌رود
(۳) چارسوی دهر از شور زیانکاران پر است
(۴) نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان

شیوه رندی و خوش‌باشی عیاران خوش است
رسته‌ای از ننگری رسته خذلان او
آنکه با خود مایه دارد اندرین بازار نیست
گر شما را نه بس این سود و زیان ما را بس

۳۵- با توجه به بن‌مایه شراب و خمار، مضمون کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) ما را که درد عشق و بلای خمار کشت
(۲) ای باد از آن باده نسیمی به من آور
(۳) چو مهمان خراباتی به عزت باش با رندان
(۴) در این خمار کسم جرعه‌ای نمی‌بخشد

یا وصل دوست یا می صافی دوا کند
کان بوی شفافبخش بود دفع خمارم
که درد سرکشی جانا گرت مستی خمار آرد
بین که اهل دلی در میان نمی‌بینم

۳۶- در کدام عبارت، اصطلاح دیوانی مشخص شده، درست معنی شده است؟

(۱) و جنگ سخت شد از هر دو روی. من جنگ مصاف این روز دیدم در عمر خویش (جنگ تن به تن).
(۲) سلطان طاهر دبیر را گفت حاجب را بگوی که لشکر را بیستگانی تا کدام وقت داده است. (کمک مالی که به‌صورت حواله پرداخت شود).
(۳) بوسهل و سوری سواران مرتب داشته‌اند بر راه سرخس تا به نیشابور (پیک‌های نام‌رسان در فواصل معین).
(۴) لشکر سلطانی خواستند که بر اثر ایشان روند امیر نقیبان فرستاد تا نگذاشتند که هیچ‌کس به دم هزیمتی برفتی (پیک‌ها).

۳۷- در عبارات زیر، کدام ضرب‌المثل درست معنا شده است؟

(۱) امیرمحمود وی را بناوخت و به درگاه نگاه داشت و خبر به برادرش والی مکران رسید، خار در موزه‌اش افتاد. (دچار تشویش شد).
(۲) اگر این فاضل از روزگار ستمکار داد یابد در سخن موی به دو نیم شکافد و دست بسیار کس در خاک مالد. فَإِنَّ اللَّهَ تَفْتَحُ الْبَابَ. (گشودن گره‌ها بر دانایان دشوار نیست).
(۳) احمد خود آنچه باید کرد کند و مال‌ها بستاند از خراج و مواضع و پس به غزا رود و مالی بزرگ به خزانه رسد و مابین الباب و الدار نزاع بنشود. (بین دوست و دشمن).
(۴) از آنجا پیری آخورسالار را با مقدمی چند بفرستند به دُم هزیمت‌یان ایشان برفتند کوفته با سوارانی هم از این طراز و خاک و نمکی بیختند و جایی بیاسودند. (جامه از گرد تکاندند).



۳۸- عبارت زیر تعریف کدام اصطلاح است؟

«او قوتی است ترتیب‌کرده در تجویف اول از دماغ که قابل است به ذات خویش مر جمله صورت‌ها را که حواس ظاهر قبول کرده باشند و در ایشان منطبع شده که بدو تأدیه کنند و محسوس آنگاه محسوس شود که او قبول کند.»

- (۱) وهم (۲) خیال (۳) ذاکره (۴) حس مشترک

۳۹- متن زیر با کدام گزینه کامل می‌شود؟

«مرد هنرمند با مروّت، اگر چه حامل منزلت و بسیار خصم باشد، به عقل و مروّت خویش پیدا آید در میان قوم؛»

- (۱) کاندیرین مُلک چو طاووس به کار است مگس.
 (۲) چو مرد بر هنر خویش ایمنی دارد شود پذیرۀ دشمن به جستن پیکار
 (۳) چنان که فروغ آتش اگر چه فروزنده خواهد که پست بسوزد به ارتفاع گراید.
 (۴) چون شاخ رز که بر درخت نیکوتر و بارورتر نرود و بدانچه نزدیک‌تر باشد درآویزد.

۴۰- کدام آیه می‌تواند مکمل عبارت زیر باشد؟

«اصحاب خرد و تجربت در کارها، خاصه که خونی ریخته خواهد شد، تأمل و تثبّت واجب بینند و حکم و فرمان باری جَلَّتْ اسْمَاءُ و عَمَّتْ نَعْمَاوَه امام سازند.»

- (۱) (إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا)
 (۲) (وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ)
 (۳) (و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)
 (۴) (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا)

۴۱- با توجه به محتوای حکایت زیر، کدام گزینه می‌تواند مورد استشهاده راوی قرار گیرد؟

«هرمز را گفتند: از وزیران پدر چه خطا دیدی که بند فرمودی؟ گفت: خطایی معلوم نکردم ولیکن دیدم که مهابت من در دل ایشان بی‌کران است و بر عهد من اعتماد کلی ندارند، ترسیدم از بیم گزند خویش، قصد هلاک من کنند؛ پس قول حکما را کار بستم که گفته‌اند:»

- (۱) نینیی که چون گربه عاجز شود برآرد به چنگال چشم پلنگ
 (۲) ترخم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر گوسپندان
 (۳) به باد آتش تیز برتر شود پلنگ از زدن کینه‌ورتر شود
 (۴) گفت اگر گربه شیر نر گردد نکند با پلنگ دندان تیز

۴۲- کدام عبارت برای جای خالی مناسب است؟

هر آینه هر کس که شروعی پیوندد از بیم صولت او احتراس و تصون کند و آتش بلا به نفس خود نکشد و نباشد.

- (۱) تَبَيَّنِي الْأُمُورَ عَلَى شَفِيرِ هَارٍ (۲) مَصُونًا عَلَى دَائِرَاتِ الدُّهُورِ (۳) كَالْبَاحِثِ عَنِ حَتْفِهِ بِظِلْفِهِ (۴) لِلْحَقِّ عَقْدٌ مُبْرَمٌ لَيْسَ يُفْسِخُ

۴۳- کلمات مشخص‌شده در کدام گزینه درست معنی شده است؟

- (۱) امور غایمش از ضبط بیرون شد و آرا و تدبیر از منبع صواب تحرّی کرد. (جستجو کرد)
 (۲) قداق از آن سبب مستشعر بوده، پای کشیده و سر بنهاد، به علت رنجوری. (تمارض کردن)
 (۳) ایشان به توانی و تآنی می‌گراییدند و کعبتین رای بر رقعۀ هوی می‌انداخت. (سرمدست پیروزی بود)
 (۴) چون مجلس گرم شد و عیش خوش، قبیحه به مهمی برپای خاست، پای در دامن زد، برجام افتاد شکسته شد. (پای بر زانو نهاد)

۴۴- مفهوم عبارت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

«و از میان فرزندان کیوک به غلبه و شطط و اقتحام و تسلط معروف و مشهور بود.»

- (۱) و از بین فرزندان کیوک او آدمی ظالم، قدرتمند و زورگو بود.
 (۲) و از بین فرزندان، کیوک آدمی قوی، ظالم، برنامه‌ریز و مسلط بود.
 (۳) و از بین فرزندان کیوک، او به قدرت، زورآزمایی و پیروزی معروف بود.
 (۴) و از بین فرزندان، کیوک به قدرت، جسارت، بی‌پروایی و برتری‌جویی شهرت داشت.

۴۵- در کدام گزینه مثل به‌درستی به کار رفته است؟

- (۱) تصرّف در مال خود به اندازه شاید کرد «لَا سَرَفَ فِي الْخَيْرِ».
 (۲) چندان که در مهمات صرف می‌باید کرد، از خزانه بردارند «و لَا خَيْرَ فِي السَّرَفِ».
 (۳) امروز دولت شاه را معاون یافتیم و ایام را موافق، بگفتم و همچنان آمد: «و قَدْ يُوَافِقُ الْقَدْرُ بَعْضَ الْمَنِيَةِ».
 (۴) غلبات اشتیاق دیرینه شما در دل داشتیم و کام جان به ذوق این حالت خوش می‌داشتیم: «و رَبُّ أَمْنِيَةِ أَحْلَى مِنْ أَظْفَرِ».



۴۶- مفهوم عباراتی که زیر آن خط کشیده شده، در کدام گزینه آمده است؟

«تاکنون که کشف القناع احوال او نرفته بود، همه رزانت و ثبات می‌نمود و چون قدمی از حد آزرَم فراتر نهادیم، مزاج تأبّی که بر آن تربّی یافته است، پدید آورد.»

- (۱) از کف دادن مناعت طبع - تسلیم شدن
(۲) فاش نشدن راز - سرکشی کردن
(۳) متهم نشدن به جرمی - کج خلقی کردن
(۴) در بند حجاب ظاهر نبودن - تواضع کردن

۴۷- کدام گزینه، جاهای خالی عبارات زیر را به درستی پر می‌کند؟

«... که اکلیلی است فرق مفاخران براءت را به غرر لآئی و درر متلالی مرصّع؛ ... که باد قبولش نامیه رغبات را در طبایع تحریک داده است؛ ... که حمامه

- طبع او همه سجع سرای بوده است؛ ... کتاب محقق آن عتبه را بسی بوسیده‌اند و به مراقی غایاتش نرسیده»
(۱) کلیله، مقامه حمیدی، سندبادنامه، عتبه کتبه
(۲) کلیله، سندبادنامه، مقامه حمیدی، عتبه کتبه
(۳) کلیله، سندبادنامه، عتبه کتبه، مقامه حمیدی
(۴) کلیله، عتبه کتبه، مقامه حمیدی، سندبادنامه

۴۸- آزرَدن عطار در متن زیر کنایه از چیست؟

«در شب واقعه، تا سحر سرمه سهر کشیده بودم و ترهات و خرافات درهم نوشته و در آن سودای بی‌حاصل، همه شب عطار را آزرده بودم.»

- (۱) بی‌خوابی کشیدن
(۲) در انتظار طلوع صبح بودن
(۳) چشم از آسمان برداشتن
(۴) مهارت و استادی در نوشتن نشان دادن

۴۹- کدام ترکیب مشخص شده، درست معنی شده است؟

- (۱) اگر هوای خراسان بر آتشم ندادی، غم‌های جهان را باد پندارمی. (مهلت دادن)
(۲) آن مورحصران، حبات حیات آثار قوم، به هر راه، تا به مجرّه می‌جستند. (قناعت‌پیشگان)
(۳) نه روی آنکه به نوشهر، جای فراموشان قرار گیریم و نه رای آنکه بی‌پوشش و خورش بر چنان عقبه بگذریم. (گورستان)
(۴) با خویش سرفراسته بودم که چون بار آن عهده از دمت نهاده آید، اعباء آن عقلیه از گردن انداخته شود. (مستغرق شدن)

۵۰- مفهوم کلی عبارت عربی مشخص شده در متن زیر چیست؟

«تا از رقّ ماسوای حق آزاد نشوی اختصاص عبدیت من عبادنا نیایی. بزرگان گفته‌اند: هر آنچه در بند آنی، بنده آنی و المکاتب عبدّ مابقی علیه درهم»

- (۱) تا در بند خودی، بنده او نخواهی شد.
(۲) تا از بندگی غیر نرهی، بنده خواهی ماند.
(۳) تا درهمی نبخشی، آزادیت مسجل نخواهد شد.
(۴) تا در بند درهمی، به آزادی نمی‌رسی.

۵۱- کدام عبارت درست معنی شده است؟

- (۱) رقیب گوشوان است بر دل‌ها بی بررسیدن. (رقیب آشکارا ملازم اوست).
(۲) پس از آنکه چون گل بشکفتند از بار بریختند. (بعد از شکوفا شدن میوه دادند).
(۳) اگر خواهد به دیگری بازاری سازد فرانگذارم. (اجازه نمی‌دهم موجب بازار گرمی دیگری شود).
(۴) مسکین آدمی که همیشه خود را نظارگی دیده است. (بیچاره آدمی که همواره خود را نظاره‌گر می‌پندارد).

۵۲- عبارت زیر وصف کدام فرقه صوفیه است؟

«قاعده و اساس طریقت تصوف و معرفت، جمله بر ولایت و اثبات آن است.»

- (۱) نوریه
(۲) حکیمیه
(۳) سهلیه
(۴) طیفوریه

۵۳- ابیات زیر، متناظر با کدام اصطلاح و تعریف عرفانی آن است؟

- هر هدایت که داری ای درویش
هم ازو دان که جان سجود کند
هدیه حق شمر نه کدیه خویش
ابر هم ز آفتاب جود کند

- (۱) تجرید که ترک اعراض دنیوی بود ظاهراً و باطناً و نفی اعراض اخروی و دنیوی
(۲) توکل که تفویض امرست با تدبیر وکیل علی‌الاطلاق و اعتماد بر کفالت کفیل ارزاق
(۳) تجلی که انکشاف شمس حقیقت است تعالی و تقدس از غیوم صفات بشری به غیبت آن
(۴) تفرید که نفی اضافت اعمال است به نفس خود و غیبت از رؤیت آن به مطالعه نعمت و منت حق

۵۴- عبارت زیر، در تعریف کدام نوع از خرّقه‌های صوفیه است؟

«صاحب وجد آن را از سر غلبه و سلب اختیار بر خود خرق کند و بر حاضران مجلس سماع جنساً او غیر جنس قسمت کنند و هریک را نصیبی بدهند.»

- (۱) صحیحه
(۲) ممزّقه
(۳) مودّت
(۴) تبرک

۵۵- کدام گزینه، به ترتیب جاهای خالی عبارت زیر را کامل می‌کند؟

شهود تجلی افعال را خوانند و شهود تجلی صفات را و شهود تجلی ذات را

- (۱) محاضره - مکاشفه - مشاهده
(۲) مکاشفه - مشاهده - مناظره
(۳) مشاهده - محاضره - مناظره
(۴) مناظره - محاضره - مکاشفه

۲۴- گزینه «۳» مرغ‌زبانی کردن: مرغان را تقلید کردن و بدین وسیله آن را به طرف دام کشاندن. مرغ‌زبانی کردن مجازاً به معنی فریب دادن. ترجمه‌ی این ترکیب در ترکی آذربایجانی متداول است (قوش دیلی اوخوماق) در اصل مرغ‌زبانی کردن اصطلاحی آذری است که نظامی تحت‌اللفظی به کار برده است.

۲۵- گزینه «۳» این بیت از مخزن‌الاسرار نظامی انتخاب شده است. معنی بیت این است که کسی در دنیا آسوده و آسان زندگی می‌کند که در تابستان توشه زمستان خود را آماده کند. (مفهومی این است که در ایام زیادی نعمت به فکر روزهای سختی خود باشد. پس گزینه ۳ درست است.)

۲۶- گزینه «۴» شاعر (خاقانی) در تمام ابیات از بخت ناموافق خود می‌نالد تنها در گزینه (۴) بخت را موافق خود می‌داند. معنی گزینه (۱): بخت و اقبال به من کز نگاه می‌کند و برخلاف عقیده من عمل می‌کند.

معنی گزینه (۲): بخت سیاه من دیده سفید دارد (چشم سفید است) و نمی‌تواند خوشبختی مرا ببیند. معنی گزینه (۳): این سفیدی که در چشم بختم است باید در گلیم بختم بود، یعنی گلیم بختم سیاه است و بخت طاقت دیدن خوشبختی مرا ندارد. معنی گزینه (۴): بختم از چشم نظر دور باشد که در همه زندگی گوش به فرمان و مطابق عقیده من عمل می‌کند.

۲۷- گزینه «۲» گزینه (۱): عصبی شدن

گزینه (۲): به اصطلاح نرادان شش بازی را گویند که پیاپی از حریف ببرد.

گزینه (۳): منقار بریدن: کنایه از مغلوب کردن و خاموش ساختن. نوپران: استعاره از شاعران تازه بال

گزینه (۴): دستاب. آبی که برای شستن دست و روی به کار برند.

۲۸- گزینه «۲» آب اینجا مجاز از شراب/ آب بردن کنایه از بی‌ابرویی

همیشه در حال نوشیدن هستی و همین شراب‌خواری باعث بی‌ابرویی تو شده است.

۲۹- گزینه «۲» تنگ‌عیش بودن کنایه از بی‌روزی بودن/ من و سلوی اشاره به قوم موسی و غذایی که از آسمان برای بنی‌اسرائیل فرستاده می‌شد.

معنی بیت: روزگار بدون حضور تو آن‌چنان بی‌روزی بود (تو مایه روزی داشتن عالم وجود هستی) که نیازمند مائده آسمانی بود و آن را مایه آسایش خود می‌دانست.

۳۰- گزینه «۳» معنی ابیات: حضرت داود (ع) می‌گوید: من همانند خورشیدی هستم که در انوار تابان، غرق شده‌ام و نمی‌توانم خود را از نور حقیقی فرق بگذارم. [اشاره‌ای است به فنای وجود موهوم سالک در وجود حضرت حق]

ظاهراً از مولانا سؤال شده: قبلاً از قول حضرت داود (ع) گفتمی که او چنان در ذات الهی فانی و مستغرق بود که خورشید در انوار ساطعه. پس دیگر چه لزومی داشت که حضرت داود (ع) سراغ نماز برود؟ مولانا از قول حضرت داود (ع) پاسخ می‌دهد: رفتن من به سوی نماز و خلوت، برای این است که به مردم، راه حق را تعلیم دهم. یعنی مردم را به این حقیقت ارشاد کنم که در هر مورد و مشکلی از حق تعالی مدد بگیرید و دل و روح خود را با راز و نیاز صیقل دهید. من به ظاهر کاری کج می‌کنم تا مردم جهان، راست شوند و به مرتبه کمال برسند. یعنی کاری که در سطح عامه است من نیز انجام می‌دهم تا آنان را به راه رشد و صلاح سوق دهم. ای دلیر مرد معنی «جنگ، نیرنگ است» همین است. مولانا مانند سایر عرفای کبار، نماز را از اهم عبادات و نزدیک‌ترین راه به مقام قرب الهی می‌داند. منظور بیت: اگر من به مقتضای مرتبه والای خویش با شما رفتار کنم نه کسی از شما سخنم را درک می‌کند و نه تاب تحمل افعال را دارد و در نتیجه چنان از مردم فاصله می‌گیرم که هیچکس نمی‌تواند مرا آسوه و سرمشق خود سازد و آن‌ها نمی‌توانند به مرتبه کمال راه یابند. حضرت ختمی مرتبت (ص) فرمود: «ما پیامبران مأمور شده‌ایم که در سطح فهم و اندیشه مردم با آنان سخن بگوییم» (اصول کافی ، ج ۱ ، حدیث ۱۵) . مصراع دوم اشاره دارد به این فرمایش حضرت پیامبر (ص) که «جنگ، نوعی از نیرنگ است».

۳۱- گزینه «۲» معنی ابیات: فرعون باز با خود گفت: شگفتا، آیا من در تمام شب‌ها در حال گفتن یا رننا نیستم.

وقتی که در نهدن و در خلوت هستم، فروتن و سازگارم. ولی همین که به موسی می‌رسم حال دیگری پیدا می‌کنم. چرا چنین می‌شوم؟ [اعمال و رفتار فرعون، عیناً طبیعت و خوی درونی او را که بالقوه در رأی الهی وجود داشته منعکس کرده است. به نحوی که از نظر ذات، توافق کامل بین او و خدا حکم فرما بوده است و او فقط زمانی جنبه مخاصمت را به خود می‌گرفته که با موسی روبرو می‌شده است. (مقدمه رومی و شرح مشنوی معنوی ، ص ۳۷۲)] به‌عنوان مثال اگر طلای تقلبی را ده بار هم زرانود کنند، همین که درون آتش نهاده شود سیاه می‌گردد. [در اینجا فرعون خود را به طلای تقلبی تشبیه کرده و می‌گوید: من در تنهایی زرانود می‌شوم و به حق اعتراف می‌کنم ولی همین که به آتش حقیقت موسی برخورد می‌کنم، رویم سیاه می‌شود و رسوایی‌ام نمایان.]

آیا جز این است که قلب و قالبم در تصرف و فرمان آن فرمانروای بی‌چون است؟ آن پادشاه حقیقی، لحظه‌ای مرا مغز می‌گرداند و لحظه‌ای به پوست تبدیل می‌کند. یعنی دمی دوست می‌شوم و دمی دشمن.

اصحاب تلوین: برخی، ارباب قلوب را از اصحاب تلوین برشمرده و گفته‌اند که آنان تحت حجاب‌های قلوباند و متصفاند به تعدد صفات و از این‌رو، تلوینات آنان نیز متعدد است. سالک تا در این مرتبه است توانایی عبور از عالم صفات را ندارد اما ارباب تمکین از این مرحله گذشته و حجاب‌های قلوب را پشت سر نهاده‌اند و ارواح آنان در مباشرت با نور ذات حق است.



۳۲- گزینه «۱» خداوند من و موسی (ع) هر دو غلام یک صاحب هستیم. یعنی بنده تو به شمار می‌رویم. ولی تیشه اراده و مشیت تو در باغ هستی، شاخه‌ای را می‌شکافد و جدا می‌نماید. رسم است که چون خواهند درختی را با درخت دیگر پیوند کنند، آن را از ساق قریب به زمین با اره می‌برند و آن را شکافته، دو شاخ می‌کنند و شاخی تازه از درخت دیگر در میان آن شکاف گذاشته. درز آن را به گل می‌گیرند و آن شاخ در آنجا سبز می‌شود و درخت می‌گردد. و باز به مقتضای حکمت بالغه خود شاخه‌ای دیگر را پیوند می‌زند و شاخه‌ای دیگر را از جریان طبیعی خود برکنار و عاقل می‌سازد. (موصّل = پیوند زده) تیشه نماد قدرت جزئی الهی/ بیشه نماد عالم آفرینش/ شاخ نماد انسان/ موصل نماد مؤمن و معطل نمادی از انسان کافر است.

۳۳- گزینه «۳» معنی بیت سؤال: زیرا نور چشم روشن‌بینان تابناک و پر فروغ است. چنین اشخاصی در پیمودن راه حقیقت به عصای دلایل و احتجاجات کارافزا نیازی ندارند. پس هرگاه دشمن حقیقت بتابد دیگر به شمع عقول جزئی نیازی نیست. تشبیه دلیل به عصا از آن‌روست که عصا در تاریکی شب و یا برای نابینایان و بیماران به کار آید ولی در روشنی روز به کار نمی‌آید و بینایان و تندرستان بدان نیازی ندارند. چنانکه زنجیره دلیل و مدلول و سبب و مسبب فقط به درد مبتدیان می‌خورد درحالی‌که منتهبیان و صدیقان از مدلول به مدلول می‌رسند. چنانکه امام علی (ع) در دعای صباح فرماید: «ای خدایی که خود دلالت داری» و امام صادق (ع) فرماید: «خدا را به خدا بشناسید». (بازغ = روشن و تابان)

معنی گزینه (۱): کوران و نابینایان اگرچه با عصا به جایی راه برده‌اند و به مقصود رسیده‌اند ولی در پناه مردم بینا راه را از چاه تشخیص داده‌اند. معنی گزینه (۲): ولی به محض اینکه این عصا، آلت جنگ و ستیز شد، ای کوردل، آن را خرد و متلاشی کن. [عصای استدلال به درد راهبری و راهنمایی سالک نمی‌خورد بلکه تنها می‌تواند او را در بدایت امر چند قدمی راه برد. (نفیر = جنگ) (ضریر = نابینا)] معنی گزینه (۳): این عصا که ذکرش رفت چیست؟ آن عصا همانا قیاس‌ها و دلایل است. آن عصا را کی به آن‌ها داد؟ خدا. برای اینکه مادام که نابینا هستند و در زمینی که چشمانشان نمی‌بیند عصا را وسیله رفتار خود کنند. [قیاس گفتاری است متشکل از چند قضیه که هرگاه مسلم و جازم شمرده شود اثبات قضیه دیگر را به دنبال خواهد داشت. (اساس الاقتباس، ص ۱۸۶). مانند: سعید انسان است. هر انسانی می‌میرد. پس سعید می‌میرد.] معنی گزینه (۴): هرکس که زنده است، تویی عصاکش و راهبر او. کور و نابینا اگر عصا و عصاکش نداشته باشد چه حالی دارد؟ مسلماً نمی‌تواند راه برود.

۳۴- گزینه «۱» معنی بیت سؤال: روزگار را به خوبی شناخته‌ای پس به درستی از آن کناره‌گیری کردی.

معنی گزینه (۱): در عالم خوشی واقعی نیست پس دم را غنیمت دان و از زندگی‌ات لذت ببر.

معنی گزینه (۲): در دنیا وفا نیست، پس کار درست این است که از دنیا کناره‌گیری کنی.

معنی گزینه (۳): در روزگار فقط زیانکاران هستند. بهترین کار این است که از روزگار کناره‌گیری کنی.

معنی گزینه (۴): به دنیا نگاه کن و آزار و اذیت‌هایی که نصیب تو می‌کند، پس از دنیا دور شو.

۳۵- گزینه «۳» خُمار: حالتی که پس از پریدن نشنگی و مستی دست می‌دهد. درد سر و نوعی بی‌حوصلگی بعد از نشنگی، که شخص را به سوی مصرف دوباره‌ی مواد مخدر یا شراب می‌کشاند. همین خُمار است که سبب اعتیاد شخص می‌گردد.

خماری در اثر گذشتن زمان مصرف و نوشیدن شراب نیز دست می‌دهد.

گزینه (۱): ما را که غم و محنت و رنج عشق تو و رنج و درد بی‌شرابی نابود کرد، دو راهکار پیش‌رو داریم تا دوباره زنده شویم و زندگی از سرگیریم. یا رسیدن به دوست (وصال) یا خوردن شراب می‌تواند درد ما را درمان کند. یعنی درد عشق با وصال و خماری با شراب ناب درمان می‌شود.

گزینه (۲): ای نسیم، از آن شراب بویی برای من بیاور، زیرا که بوی آن بوی شفا بخش سبب رفع خماری از من می‌شود.

گزینه (۳): اکنون که تصمیم به دوستی با رندان گرفته و در یک خرابات مهمان هستی، با رندی که ساقی آن خرابات است پیمان دوستی بسته، از دست وی باده‌نوشی می‌کنی به عزت باش، یعنی سالک وقتی تحت آموزش معنوی بزرگی است و شاگردی آن رند را می‌کند باید خُمرت ساقی خود را نگه دارد.

گزینه (۴): در این حالت خُماری که بر من مستولی شده، بین عجب زمانه‌ای شده، یک نفر با معرفت و اهل دل پیدا نمی‌شود که جرعه‌ای شراب به من بدهد و مرا از این حالت خُماری در بیاورد.

۳۶- گزینه «۳» مصاف: صف سپاه در میدان جنگ. جای صف زدن برای کشتی و زورآزمایی. موضع‌های صف در جنگ. جاهای صف زدن در جنگ.

بیسستگانی: جیره و پولی که در قدیم به سپاهیان می‌داده‌اند/ مواجب لشکریان و جیره و ماهیانه نوکران و هرچیزی که به جهت ایشان مقرر کرده باشند. سواران مرتب: پیک‌های نامه‌رسان در مسیرهای مختلف.

نقیبان: پیشوا و رئیس و کسی که معرفت به احوال مردم داشته باشد. سردمدار. سردسته. رئیس. بزرگ‌تر. فرمانده سپاه.

۳۷- گزینه «۱» خار در موزه‌اش افتاد: موزه یعنی کفش. خار در کفش یعنی سخت آزرده و مضطرب شد (جلد اول تاریخ بیهقی دکتر خطیب رهبر)

فانّ اللّهی تفتح اللّها: به کنایه یعنی زبان گوینده با صلّه و عطیه گشاده و فصیح می‌گردد. (جلد دوم تاریخ بیهقی دکتر خطیب رهبر)

مابین الباب و الدار: به کنایه یعنی دو تن از خاصان پادشاه. معنی جمله: میان دو تن از خاصان پادشاه جنگ خانگی درنگیرد. (جلد دوم تاریخ بیهقی دکتر خطیب رهبر)

خاک و نمکی بیخندند: کنایه از صورت‌سازی کردن به اصطلاح امروزی ماست‌مالی کردن (جلد سوم تاریخ بیهقی دکتر خطیب رهبر)

- ۳۸- گزینه «۴» وهم: آن قسمت از مغز که تخیل می‌کند؛ تصور. خیال: صورتی که در خواب یا بیداری به ذهن آید؛ پندار؛ گمان. ذاکره: قوه باطنی که مطالب را در ذهن نگه می‌دارد و گاه به مناسبتی به یاد می‌آورد. حس مشترک: یک اصطلاح در حوزه معرفت‌شناسی است که به یکی از حواس بشری اشاره دارد. حس مشترک، از قوای باطنی که صور حاصل از حواس ظاهری در آن جمع و به وسیله آن ادراک می‌شوند. معنی عبارت: به او نیرویی در مغزش داده است که در همه انسان‌ها مشترک است و از حواس ظاهری است همه آن را محسوس و به یک صورت درک می‌کنند.
- ۳۹- گزینه «۳» معنی عبارت سؤال: مرد باوجدان دانشمند اگر چه گمنام و دارای دشمنان زیاد باشد، باز هم به واسطه دانش و جوانمردی خود در قوم خود نامور و مشهور می‌شود. این مفهوم با گزینه (۳) هم مفهوم است که می‌گوید اگر چه روشن‌کننده آتش بخواد که شعله آتش پایین بماند باز ذات آن خود را بالا می‌کشد.
- ۴۰- گزینه «۴» معنی عبارت سؤال: دانشمندان و صاحبان تجربه در کارهای خود مخصوصاً زمانی که جان یک انسان در میان است، تأمل و صبر را واجب می‌دانند و فرمان خداوند را پیش نظر خود می‌دارند. این مفهوم با گزینه (۴) ارتباط دارد که می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برای شما خبری آورد، خوب بررسی و تحقیق کنید (در ادامه آیه می‌آید: مبدا در اثر نادانی، به گروهی آسیب برسانید [و] آنگاه برآنچه انجام داده‌اید، پشیمان شوید).
- ۴۱- گزینه «۱» معنی حکایت: به هرمز گفتند: وزیران پدرت چه خطایی کردند که آن‌ها را زندانی کردی؟ گفت: خطای ظاهری و معلوم از ایشان ندیدم اما متوجه شدم به شدت از من می‌ترسند و بر قول و پیمان من اعتماد ندارند (هرآن منتظر هستند که من ایشان را بکشم) پس ترسیدم از ترس من نقشه کشتنم را بکشند. پس نصیحت گذشتگان را گوش کردم که گفته‌اند: در ادامه این حکایت گزینه (۱) می‌آید که می‌گوید: آیا نمی‌بینی اگر گربه بترسد، با پنجه‌اش حتی به پلنگ هم حمله می‌کند.
- ۴۲- گزینه «۲» صولت: هیبت، شکوه/ احتراس: خود را حفظ و نگاه‌داری کردن، نگهبانی / تصون: خویشتن صیانت کردن معنی عبارت: هر کس می‌خواهد سخنی بگوید، از ترس هیبت و شکوه او جانب احتیاط را نگه می‌دارد و با دست خود باعث مرگ خود نمی‌شود (خود را به دردمر نمی‌اندازد) این مفهوم در عبارت گزینه (۳) آمده است: مانند کسی که باعث مرگ خود می‌شود.
- ۴۳- گزینه «۲» تحرّی کردن: درنگ کردن، تأمل کردن سرینهاد: تمارض کردن، خود را به مریضی زدن کعبتین رای بر رقع هوی می‌انداخت: از روی هوی و هوس تصمیم می‌گرفت پای در دامن زد: پایش در دامن او گیر کرد و افتاد (پای در دامن کشیدن به معنی گوشه‌نشینی اختیار کردن)
- ۴۴- گزینه «۴» غلبه: تسلط، قدرت / شطط: ستم بسیار، جسارت/ اقتحام: بی‌پروایی / تسلط: مسلط شدن، برتری جویی از بین فرزندان، کیوک به قدرت، جسارت، بی‌پروایی و برتری جویی شهرت داشت.
- ۴۵- گزینه «۳و۴» گزینه (۱): در خرج کردن ثروت خود هم باید اندازه را رعایت کرد. (در [کارهای] خیر اسراف نیست) گزینه (۲): آنچه برای انجام کار مهم لازم است از خزانه بردارند. (در اسراف، خیری نیست) گزینه (۳): روزی بخت و اقبال را موافق دیدم و اوضاع بر وفق مراد همچنان که. (و گاهی برخی آرزوها با تقدیر سازگار می‌شود.) گزینه (۴): آرزو و اشتیاق دیدار شما را داشتم و این سخت در جانم نشسته بود. (چه بسا آرزو که شیرین‌تر از پیروزی و کامیابی است.) با توجه به متن کتاب مرزبان‌نامه به نظر می‌رسد گزینه (۳) هم می‌تواند جواب این تست باشد و تست دوجوابی است.
- ۴۶- گزینه «۲» کشف القناع: قناع به معنی روسری، کشف حجاب کردن/ رزانت: متانت، استواری، وقار/ آزر: شرم و حیا، بزرگی/ تأبی: سرکشی کردن/ تربی: پرورش دادن معنی عبارت: تا به حال ذات او کشف نشده بود و در ظاهر باحیا نشان می‌داد ولی وقتی قدمی از بزرگی جلوتر رفتیم آن روحیه گردن‌کشی و نافرمانی که بر آن تربیت شده بود، آشکار شد. با توجه به معنی رازی پنهان مانده و بعد کشف شده و سرکشی کردن مفاهیم آمده در این عبارت هستند.
- ۴۷- گزینه «۲» اکلیل: تاج/ غرر: سبیدی پیشانی به مفهوم برگزیده‌ها/ لاکمی جمع لولو مروارید/ درر جمع در/ متلالی: درخشان/ مرصع: جواهر نشان کتاب کلیله و دمنه مانند تاجی است بر سر برتری جویان در علم و فضل با کلمات برگزیده و الفاظ برجسته کتاب سندبادنامه که نسیم مورد قبول بودنش روحیه خواستن را در طبع‌های مختلف برجسته می‌کند. کتاب مقامات حمیدی که کبوتر طبع نویسندگی نویسنده آن سجع پرداز بوده است. (حمامه: کبوتر) کتاب: جمع کاتبان، نویسندگان/ عتبه: درگاه، آستانه/ مراقی: درجات/ غایات: نهایت کتاب عتبه کتبه که نویسندگان دانشمند آستانه آن را بوسه زده‌اند و به درجه کوچکی از درجات بالای این کتاب نرسیده‌اند.



۴۸- گزینه «۴» در باور قدما عطارد همان سیاره تیر را سیاره دبیران می‌دانستند.

معنی عبارت: در شب حادثه تا سحر بیدار ماندم و اراجیف و خرافات نوشتم و در میان آن‌همه نوشته عطارد که سیاره دبیران و نویسندگان بود به سبب استادی و مهارتم در نوشتن آزرده شد.

۴۹- گزینه «۳» بر آتشم ندادی: بر آتش دادن: اوج حسرت و آرزو

مور حرصان: انسان‌های کوچکی که حرص زیاد دارند، حریص
جای فراموشان: قبرستان
سرفراسته بودم: قرار گذاشته بودم
تنها گزینه (۳) درست است.

۵۰- گزینه «۱» رقی: بندگی / عبدیت: بندگی / ماسوی حق: غیر خدا

معنی عبارت: تا از بند بندگی غیر خدا آزاد نشوی، به تو عنوان «بند ما» داده نمی‌شود. بزرگان گفته‌اند: هر چیزی که به آن می‌اندیشی و در آرزوی آنی، همان می‌شوی و تا در بند خود هستی، بنده خدا نمی‌شوی.

۵۱- گزینه «۴» گزینه (۱): خداوند مراقب دل‌هاست و بر آنچه بر دل می‌گذرد آگاه است بدون اینکه بپرسد.

گزینه (۲): هنگامی که شکوفه کردند و بر زمین ریختند (بی حاصل ماندند).

گزینه (۳): اگر بنده من کس دیگر را انتخاب کند تا به او عشق بورزد، اجاره نمی‌دهم.

گزینه (۴): بیچاره آدمی که همیشه خود را نظاره‌گر می‌پندارد.

این عبارت از کشف‌الاسرار انتخاب شده‌اند.

۵۲- گزینه «۲» معنی عبارت: اساس طریقت در تصوف بر ولایت است.

نوریه: پیروان ابوالحسین احمد بن محمد نوری بغوی بغدادی خراسانی که معتقدند هیچ حال و مقامی موجب ترک شریعت نمی‌شود.

حکیمیه: آنان پیروان ابوعبدالله محمد بن علی حکیم ترفدی، از صوفیان بزرگ قرن سوم هستند. آن‌ها اساس و قاعده را ولایت می‌دانستند و معتقد بودند سلوک او، فقط از طریق اولیا و راهنمایی آنان ممکن است.

سهلیه: کسانی‌اند که پیرو سهل بن عبدالله تستری‌اند که او از بزرگان اهل تصوف بوده است. (فرقه سهلیه وجود ندارد فکر می‌کنم منظور طراح محترم سهلیه بوده است)

طیفوریه: طیفوریه، پیروان بایزید طیفور بن عیسی بسطام عارف بوده‌اند. به گفته هجویری، «طریق وی غلبه و سکر و غلبه حق عزوجل و دوستی از جنس آدمی نباشد.» افزون بر هجویری، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در تذکرة الاولیا، نام طیفوریه را به‌عنوان فرقه بایزید مطرح می‌کند.

۵۳- گزینه «۴» معنی ابیات: هر هدایتی که پیدا می‌کنی هدیه حق بدان نه نتیجه سعی و تلاش خودت.

حتی عبادتت را ناشی از خواست خداوند دان همچنانکه ابر نیز برای بخشیدن (باریدن) نیازمند آفتاب است.

این مفهوم تنها در گزینه (۴) آمده است: تفرید یعنی فرد شدن و فقط خدا را در میانه دیدن ناشی از ندیدن اعمال خود و نسبت دادن اینان به خداوند است. یعنی همه اعمال و نعمت‌ها را ناشی از لطف خداوند ببینید.

۵۴- گزینه «۲» معنی عبارت: سالک هنگامی که در رقص سماع به وجد می‌آید، اختیار از او ساقط می‌گردد و خرقة خود را بر تن پاره می‌کند و در میان حاضران مجلس سماع تکه‌تکه کرده و به هر کدام تکه‌ای می‌دهد.

خرقة، اصطلاحی در تصوف، به معنی جامه‌ای پشمین و خشن، که صوفیه به‌عنوان نماد ظاهری منش و مسلک خود می‌پوشیدند.

صحیحه و ممزقه: خرقة‌ی سماع، هنگام وجد و سماع، شوری بر صوفی مستولی می‌شود و اختیار را از کف او می‌رباید. فضای روحانی حاکم بر مجلس چنان می‌شود که صوفی به رقص درمی‌آید؛ فریاد می‌زند؛ از خودبی‌خود می‌شود و جامه‌ی خویش را از سر می‌کشد و یا آن را می‌درد و در میان مجلس می‌افکند

که به این نوع کندن یا دریدن «خرقة‌ی سماع» می‌گویند. خرقة‌ی سماع خود بر دو نوع است: اگر خرقة‌ای که هنگام سماع به میان افکنده می‌شود سالم باشد، آن را «خرقة‌ی صحیحه» می‌گویند و اگر هنگام سماع دریده شود و به میان افکنده شود، آن را «خرقة‌ی ممزقه» می‌گویند.

مودت: نوعی خرقة که به نشانه دوستی به یکدیگر می‌دادند.

تبرک: نوعی خرقة که سالک از پیر مراد خود به نشانه تبرک می‌گرفت.

۵۵- گزینه «۱» تجلی به معنای جلوه‌گری، ظاهر، آشکار و درخشان شدن است. در اصطلاح درخشش نور الهی بر دل عارف و کلاً تجلی حق بر هستی

است. این جلوه الهی با محو و نابودی صفات بشری همراه می‌باشد. تجلی سه قسم است: تجلی ذات که نشانه‌اش فنای ذات و تلاشی صفات سالک در سطوات انوار ذات الهی است و آن را صقعه می‌گویند. تجلی صفات که نشانه‌اش به صفات جلال خضوع و خشوع در برابر قدرت و جبروت حق است یا به

صفات جمال که نشانه‌اش سرور و انس در برابر لطف، رحمت و رأفت حق است. تجلی افعال که نشانه‌اش ندیدن افعال خلق و مشاهده فعل الهی در همه‌جا و هر فعل را از نسبت دادن به خود ساقط کند. افعال آثار صفات‌اند و صفات مندرج تحت ذات پس شهود تجلی افعال را محاضره و شهود تجلی صفات را

مکاشفه و شهود تجلی ذات را مشاهده نامند.